

راه توده

شهرمادران حبیب‌الله ایران در طرح از کشور

پنجمه ۱۲ فروردین ۱۳۶۲ مطابق
آب ۱۱۸۴ سال
سال دوم شماره ۸۶
پهنا ۱۰ ارسال

وحدت عمل در پیکار علیه کشتار و اختناق در ایران، ضرورتی که باید به آن پاسخ گفت!

احزاب، نیروها، جمعیت‌ها و محافل مترقی و دمکراتیک جهان از این اعتراضات به عمل آوردند، نمودار روشن پشتوانه عظیمی است که همه نیروهای ضدامپریالیست و انقلابی ایران در پیکار خود علیه ارتجاع سیاه ایران می‌توانند از آن یاری جویند. وظیفه مبرمی که تجربه گسترش این اعتراضات، پیش روی نیروهای انقلابی می‌نهد، هماهنگی و تمرکز قوا در راه بهره‌گیری همه‌جانبه از این همبستگی بین‌المللی است. امری که نیازمند بقیه در صفحه ۲

مبارزه نیروهای ضدامپریالیست و ترقی‌خواه علیه ستم، اختناق و محرومیت‌های اجتماعی، هرروز در جریان گسترش روزافزون، اشکال جدیدی به خود می‌گیرد. اعتصاب غذا که این روزها در شهرهای مختلف اروپایی، برپا شده است، شیوه نوینی است که مبارزان میهن‌دوست برای ابراز مخالفت و اعتراض خود و نیز افشای جنایات و خیانت‌های حاکمیت جمهوری اسلامی اتخاذ کرده‌اند و با موفقیت چشم‌گیری آن را به پیش می‌برند. همبستگی گسترده و پشتیبانی بی‌دریغی که

حضور نظامی امپریالیسم امریکا در خلیج فارس تثبیت می‌شود

جریان تحولات اخیر، با همسویی سیاسی و تبلیغاتی خاصی با حاکمیت جمهوری اسلامی، کاربرد این سلاح‌ها از سوی عراق را محکوم کردند. ایالات متحده آمریکا که با شتابزدگی و حرارت چشمگیری در این اقدامات پیشانگ شده، از سوی سخنگوی عراق به "دورویی" متهم گردید. عنوانی که خودبیانگر واقعیت‌ها پشت پرده است. در ادامه این موضع‌گیری‌ها هفته نامه آمریکایی تایمز نوشت:

جنگال تبلیغاتی جمهوری اسلامی پیرامون استفاده جنایتکارانه عراق از سلاح‌های شیمیایی به نتایج مطلوب مبتکران آن نزدیک می‌شود. سران جمهوری اسلامی طی این جنگال موفق شده‌اند حمایت تبلیغاتی جهان امپریالیستی از جمهوری اسلامی را در خدمت بهبود مناسبات با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قرار دهند. دول امپریالیستی که خود سلاح‌های شیمیایی را برای استفاده در چنین مواردی در اختیار رژیم عراق گذارده‌اند، در

بقیه در صفحه ۲

بازهم درباره انتخابات

مضحک تدارک انتخابات فرمایشی دومین دوره مجلس شورای اسلامی پایان یافت و مراحل اجرای آن با اطلاعیه‌های ناطق نوری، وزیر کشور آغاز شد.

آنچه که از پراگند رویدادهای دو ساله اخیر به دست می‌آید و نتیجه مستقیم اعمال سیاست‌های خیانت‌بار رژیم ایران جمهوری اسلامی است، نشان می‌دهد که نتیجه این "انتخابات" نه در جهت تأمین منافع زحمتکشان و محرومان جامعه و نجات انقلاب از فرقاب وابستگی به امپریالیسم، بلکه در راستای عکس آن سیر می‌کند.

"با در نظر گرفتن مجموعه این عوامل، کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) مشترکا به این نتیجه رسیدند که برای اعتراض به ترور و اختناق حاکم بر کشور و پایمال شدن ابتدایی‌ترین حقوق و آزادی‌های دمکراتیک از زحمتکشان دعوت کنند به فهرست‌های نامزدهای ارائه شده از طرف نهادهای وابسته به حکام جمهوری اسلامی و سازمانهای مربوط به آنها رای مخالف دهند.

دادن رای مخالف به فهرست نامزدهای معرفی شده از طرف نهادهای وابسته به حکام جمهوری اسلامی به معنای نفی سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی، به معنای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و جنگ برادر کشی در کردستان، به معنای خواست آزادی ده‌ها هزار انسان بی‌گناه درینند، به معنای پایان دادن به محاکمات فرمایشی و اعدام میهن‌دوستان، به معنای طرد عمال امپریالیسم و ارتجاع از حاکمیت و بالاخره رد از پیش قوانین ارتجاعی و ضد مردمی است که در دوره دوم مجلس شورای اسلامی در صدد تدوین و تکمیل آنند."

(از اعلامیه مشترک در باره انتخابات)

حاکمیت سرکوبگر ج.ا. از اعلام سرنوشت توده‌های محاکمه شده وحشت دارد

صفحه ۱۱

در صفحات تجد

حلقه دیگر سیاست ایران بر بادده خائنین به انقلاب ...

صفحه ۶

مسخ شوراها و روستایی، گامی دیگر در روند بازگشت انقلاب

صفحه ۱۴

تقلاهای عبث برای جدی جلوه دادن مضحکه انتخابات

صفحه ۱۰

۴۱ سال مبارزه پیگیر در راه حقوق زحمتکشان
جوان
ضمیمه جوانان

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس تثبیت می‌شود

بقیه از صفحه ۱

"با اعزام سربازان جوان ایرانی به کشورهای خارجی که توسط گازهای شیمیایی مسموم شده بودند و مرگ تعدادی از آنان و نتایج کالبد شکافی که با اجازه آیت‌الله خمینی با وجود تضاد با موازین اسلامی صورت گرفت، دیگر جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد که عراق به جنگ شیمیایی متوسل شده تا شاید راه نجاتی برای شکست‌های اخیر خود و یا حداقل به یک انتقام جویی دست یازیده باشد."

این روزنامه با چنین موضع‌گیری نمونه‌واری در حمایت از جمهوری اسلامی، از رهبران کشورها می‌پرسد که چرا عراق باید برخلاف تمام قوانین بین‌المللی به کار برد یک چنین سلاحی دست زند؟

سران جمهوری اسلامی با نظر مثبت نسبت به این همسویی تبلیغاتی که طی آن جنایت جنگی عراق به بهانه‌ای برای توجیه ادامه جنایتکارانه جنگ تبدیل می‌شود، پنهان نمی‌کنند که خواستار اقدامات جدی‌تر امپریالیسم جهانی و به ویژه امپریالیسم آمریکا در حمایت از مواضع جمهوری اسلامی هستند:

"موضع آمریکا در این رابطه در حد یک ملائت شیرین است که پدری نسبت به فرزند خود (روژیم عراق) دارد و در این حد نه ما قانعیم و نه گول می‌خوریم و نه دنیا قبول دارد... ما به هیچ وجه به این اندازه قانع نیستیم و صدام به خاطر همین جنایتش و حزب بعث و فرمانده لشکر عراقی باید محاکمه شوند" (هاشمی رفسنجانی-۱۸ اسفند ۶۲).

آنان برای روشن کردن نیت واقعی خود، هم صدا با دروغ‌پردازی‌های محافل مشکوک امپریالیستی، تلاش می‌کنند با متهم کردن اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی

به پیش‌تاز مبارزه در راه منع قطعی و کامل استفاده از این سلاح‌ها از سوی همه کشورها بوده‌اند - به دست داشتن در این ماجرا این کارزار تبلیغاتی را در ست دلخواه امپریالیسم جاری سازند.

"اما آن چیزی که در این زمینه برای ما شکفت‌آور است سکوت کشورهای ضدامپریالیستی و به اصطلاح خلقی در بلوک شرق در محکومیت این قضیه سخنی نگفتند و این ظن را به وجود آوردند که در پشت پرده قضیه دیگری است" (نخست وزیر - اطلاعات ۲۲ اسفند ۶۲).

این دروغ‌پردازی آشکار که در شرایط انجام می‌شود که جهانیان از مواضع گذشته و حال دولت‌های سوسیالیستی در محکوم کردن این‌گونه جنایات آگاهند، هدف سیاسی مشخص بهبود مناسبات با دول امپریالیستی را دنبال می‌کند.

امپریالیسم آمریکا در بهره‌برداری

از جنگ فرسایشی به اهداف

استراتژیک خویش نزدیک می‌شود

استقرار ناوگان هفتم ایالات متحده در تنگه هرمز، به خودی خود مرحله نوینی در بهره‌برداری همه‌جانبه امپریالیسم آمریکا از ادامه جنگ ایران و عراق است. ایالات متحده با اعلام منطقه منسوعه‌ای در آب‌های خلیج فارس که تحت حاکمیت مستقیم فرماندهی نظامی قرار دارد، در عمل به یکی از کشورهای خلیج فارس و یکی از همسایگان جمهوری اسلامی تبدیل شده است. مقرراتی که آمریکایی‌ها برای عبور از آنها و فضای تحت حاکمیت خویش در خلیج فارس وضع کرده‌اند، از مقرراتی که در مناطق تحت حاکمیت مستقیم آمریکا قرار دارد محدودتر است. ایالات متحده؛ اقداماتی چون تجاوز مسلحانه به حق حاکمیت مردم ما که در بهمن‌ماه گذشته صورت گرفت، از این منطقه حفاظت می‌کند.

این بهره‌برداری توسعه طلبانه از جنگ افروزی‌های حاکمیت جمهوری اسلامی، مناسبات جمهوری اسلامی با ایالات متحده را علی‌رغم خواست و تلاش آشکار سران جمهوری اسلامی به کم‌اهمیت جلوه دادن موضوع و خودداری از موضع‌گیری قاطع و اقدامات عملی در قبال این

تجاوزات، رویه تیرگی برده در راه پیشه سیاست آنان مبنی بر جلب حمایت همه‌جانبه امپریالیسم جهانی از جمهوری اسلامی برای پیروزی در جنگ توسعه‌طلبانه موانعی به وج آورد.

لازمه رفع این موانع و بهبود مناسبات امپریالیسم جهانی، به فراموشی سپردن واقعیت تثبیت استقرار نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس از سوی سران جمهوری اسلامی بود. چنانچه تبلیغاتی سران جمهوری اسلامی پیرامو کاربرد جنایتکارانه سلاح‌های شیمیایی از سوی رژیم عراق که با همراهی سیاستمداران غربی ارکستر رسانه‌های گروهی امپریالیستی او می‌گیرد، در خدمت پرده پوشی این واقعیت است.

اینک هفته‌هاست که در سخنان نظریه‌پردازان سران جمهوری اسلامی، کوچک‌ترین اشاره‌ای به توسعه طلبی تجاوزگر امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس نمی‌شود. اقدامات عملی برای مقابله با این تجاوز حتی جریان لفاظی‌های ضدآمریکایی وزارت خارجه سران جمهوری اسلامی نیز خبری نبوده. در عرصه سیاسی این واکنش به معنای پذیرش عملی مواضع امپریالیسم آمریکا از سوی حاکمیت جمهوری اسلامی است.

امپریالیسم آمریکا با تثبیت حضور نظامی خویش به مثابه یکی از کشورهای خلیج فارس ژاندارم تنگه هرمز، گام مهمی در بهره‌برداری جنگ فرسایشی ایران و عراق در راستای اهداف استراتژیک خویش در منطقه برداشته است. تصرف کامل حاکمیت در هر دو کشور ایران عراق، با بهره‌برداری همه‌جانبه از ادامه جنگ فرسایشی گام بعدی است. ورشکستگی گام حاکمیت جمهوری اسلامی که نتیجه محترم آداء جنگ ایران و عراق است و تقوی به راستگراترین جناح حاکمیت جمهوری اسلامی، اینک از سر عوام‌فریبی خود را مخالف آداء جنگ جلوه می‌دهد، مقدماتی است که در جهت در حال تدارک است.

سالگرد تاسیس سازمان فداییان خلق ایران برای ما فرستاده است که با کشتی در تار و خنوبین مبارزه انقلابی خلق‌ها علیه ستم "نزدیکی سپیده" را نوید می‌دهد.

● رفیق عزیز از کوتینگر مقاله گزاره گونه شما را دریافت داشتیم. استعداد خود را در زمینه قصه نویسی پرورش دهید. متشکریم.

● "جوانان آرش"، هوادار حزب توده ایران کارت تبریک زیبایی به مناسبت فرا رسیدن نوروز برای ما فرستاده‌اند. این دوستان شادباش پرشور خود به توده‌ای‌ها خاطر نشنا ساخته‌اند:

"ما با پیکارمان نشان خواهیم داد که خود شهیدانمان به هدر نمی‌رود و نسیم بهار آزادی به زندانیان دریند می‌رسانیم".

و کلی زیبا برای ما فرستاده که با وزن نیمایی سروده شده است. ضمن سپاس از دوستان باید متذکر شد وزن شعر در چند جا خدشه می‌پذیرد، مثلا:

" بسوزان چهره پاک حقیقت را / ۱۰۰۰ ولی صبرکن - " که این دو سطر نه تنها هم وزن نیستند، بلکه سطر دوم کاملا بی‌وزن می‌شود. مطالعه دقیق آثار نیما و بیرون راه او را توصیه می‌کنیم.

● "یک هوادار" از استرالیا شعر شما رسید. متشکریم.

● "محمد رضا ن."! شعر شما را که با احساسی پرشور و انسانی سروده شده دریافت کردیم. سپاسگزاریم.

● رفیق "آرش" از هندوستان شعری تحت عنوان "با مادرم" به مناسبت چهاردهمین

نامه خوانندگان

● دوست عزیز از اسکاندیناویا، شعر کوتاهی با عنوان "حزب طراز نوین" به مناسبت برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران برای ما ارسال داشته است. دربخشی از این شعر می‌خوانیم:

"برزندگی که جاریست در کوچه‌ها/ نامت را می‌نویسم / من با تو می‌زیم / چونان گیاه که با آب"

منتظر اشعار دیگر شما هستیم.

● "یکی از هواداران"، شعری با خطی خوش

وحدت عمل در پیکار علیه کشتار و اختناق در ایران، ضرورتی که باید به آن پاسخ گفت!

بقیه از صفحه ۱

تدارکات سازمانی جدی در راستای اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیست و مترقی در میهن ماست. فجایی که سران جمهوری اسلامی، امروزه در میهن ما مرتکب می‌شوند و حرکت پرشتاب در راه خیانت باری که در پیش گرفته‌اند، بر لزوم و ضرورت ادای این وظیفه مبرم، بیش از پیش تاکید دارد.

حزب توده ایران که همواره پیشگام و منادی وحدت عمل و اتحاد نیروهای انقلابی، برای مبارزه در راه منافع زحمتکشان بوده است، اکنون نیز اقلیه نیروهای مترقی و

مبارزی را که ملیسیاست‌های امپریالیسم پسندانه و وابستگی‌آور رژیم، علیه کشتار و اختناق، علیه ادامه جنگ برادرکشی بین ایران و عراق، علیه ستم بر ملیت‌های ساکن ایران و برای تامین منافع و مصالح مردم مجرم و زحمتکشان میهن‌مان مبارزه می‌کنند، فرامی‌خواند تا در این عرصه عمل، به گونه‌ای یکپارچه و با بهره‌گیری از امکانات یکدیگر و تکیه بر همبستگی بین‌المللی نیروهای مترقی جهان کام گذارند و وظیفه مبرم و انقلابی خود را به جا آورند.

سوسیالیست این کشور. خبر اعتصاب غذا همراه با خواست‌های اعتصابیون از رادیو اتریش پخش شد و مطبوعات مترقی این کشور نیز به درج آن پرداختند که از آن جمله‌اند:

- روزنامه‌های ارگان مرکزی حزب سوسیالیست و ارگان مرکزی حزب کمونیست اتریش که در شماره‌های مختلف به تفصیل در این باره نوشتند و ضمن توضیح بیشتری در مورد وقایع ایران، مردم مترقی این کشور را به‌جانب داری از خواست‌های اعتصابیون فراخواندند.

اعتصاب غذا در وین

گروهی از ایرانیان مترقی مقیم اتریش، به منظور اعتراض به موج سرکوب و خفقان و تعقیب و شکنجه و اعدام نیروهای دمکرات در ایران، اعتراض به ادامه جنگ خانمانسوز ایران و عراق و سیاست ارتجاعی حاکمیت جمهوری اسلامی در مورد اقلیت‌های قومی و مذهبی، هم‌زمان با برگزاری اعتصاب غذا در سایر پایتخت‌ها و شهرهای مهم جهان، از روز سه شنبه ۲۰ مارس (۲۰ اسفند) به مدت سه روز در وین دست به اعتصاب غذا زدند.

اعتصاب کنندگان همچنین از دولت اتریش خواستند:

- ۱- جهت پایان دادن به پیکار و کشتار دمکرات‌ها در ایران اقدام نماید.
 - ۲- امکانات خویش را جهت خاتمه جنگ میان ایران و عراق به کار بندد.
 - ۳- تسهیلات لازم را در امر رسیدگی به وضع مهاجرین سیاسی ایرانی در اتریش فراهم آورد.
- اعتصاب کنندگان در خاتمه، افکار عمومی مترقی این کشور را فراخواندند تا صدای اعتراض خود را علیه جنایات حاکمیت ارتجاعی ایران بلند کرده، همبستگی خود را با زندانیان دمکرات تشدید نمایند.

- در طول برگزاری اعتصاب غذا، شخصیت‌ها و نهادهای مترقی اتریش، با حضور در محل و ارسال پیام‌های همبستگی، حمایت خود را از خواست‌های مطروحه در بالا ابراز داشتند. از آن جمله‌اند:
- نمایندگان اتحادیه دانشجویان عراقی در اتریش -
- ترکهای ضدفاشیست مقیم اتریش
- نمایندگان حزب کمونیست یونان در این کشور
- نمایندگان پزشکان مترقی اتریش
- دبیر سازمان آلترناتیو
- نمایندگان سازمان دمکراتیک زنان اتریش
- هواداران حزب کمونیست شیلی در این کشور
- دبیر سندیکا‌های سراسری اتریش
- دانشجویان کمونیست و دانشجویان

آلمان فدرال

اقدامات اعتراضی سازمان‌های مترقی آلمان فدرال، در محکوم کردن اعمال جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی در قبال مبارزان راه استقلال، آزادی و صلح ایران همچنان ادامه دارد و اعدام ده تن از افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران، خشم آنان را بیش از پیش برانگیخته و چهره "سیا" و دژخیمان را هرچه رسواتر ساخته است.

دبیرخانه مرکزی اتحادیه ضدفاشیست‌ها و کسانی که تحت پیگرد نازی‌ها قرار داشته‌اند، در آلمان فدرال، به محض وصول اطلاع از خبر اعدام ده تن از افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران، خشم و نفرت خود و اعضای سازمان را که اکثراً از مبارزین قدیمی ضدفاشیست و کسانی هستند که سالیان دراز در بازداشتگاه‌های مرگ هیتلری و در تبعید و مهاجرت اجباری بسر برده‌اند، طی نامه‌ای به دولت جمهوری اسلامی ایران، ابلاغ نموده است. دبیرخانه پایان بخشیدن به اعمال ضدبشری



با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

بقیه در صفحه ۲

اعتراضات گسترده نیروهای انقلابی علیه اعدام توده‌ای‌های در بند

بقیه از صفحه ۲

حکومت و آزادی فوری کلیه زندانیان دمکرات را از سیاه‌چالهای جمهوری اسلامی ایران خواستار گردیده و بازم درخواست اعزام هیاتی از پزشکان و حقوق‌دانان آلمانی جهت عزیمت به ایران و بررسی وضع زندانیان یا فشاری نموده است. اتحادیه ضدفاشیست‌ها همچنین طی صدور یک اطلاعیه مطبوعاتی، این عمل وحشیانه را محکوم نموده و اعدام مبارزین راه استقلال و آزادی ایران را یکی از بزرگترین جنایات حاکمیت و آن را به ضرر منافع واقعی مردم کشور ما تلقی کرده است.

در این اطلاعیه، آزادی زندانیان سیاسی مترقی و سفر هیاتی به ایران به منظور آگاهی از چگونگی وضع زندانیان، خواسته شده است.

شعبه‌های اتحادیه در سراسر آلمان نیز به عناوین مختلف، اعدام مبارزین میهن‌دوست و اعضای حزب توده ایران را محکوم کرده‌اند.

اسامی برخی از سازمانهایی که به عناوین مختلف، نسبت به اعدام‌های اخیر در ایران به اعتراض برخاسته‌اند، بدین قرار است:

- اتحادیه سندیکایی آلمان و انجمن دانشجویان اوانگلیست کارلسروهه
- انجمن دانشجویان کاتولیک گوتینگن
- شعبه‌های حزب کمونیست آلمان در شهرهای بوخوم، کیل و شلزویک هولشتین
- جوانان کارگر سوسیالیست آلمان در شلزویک هولشتین
- گروه کمونیست‌های مدارس عالی کیل
- اتحادیه دانشجویان مارکسیست دانشگاه کیل
- اتحادیه سوسیالیست‌های مدارس عالی آخن
- ضنا هواداران سازمان فداییان خلق ایران، همراه با اتحادیه ضدفاشیست‌های آخن، بدین مناسبت، تظاهراتی در روز شنبه، ۲۴ مارس (۴ فروردین ماه) ترتیب داده، اعدام مبارزان توده‌ای را محکوم کردند و به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی در قبال میهن دوستان ایران، پرداختند.

و کنفدراسیون عمومی کار در استان آلپ ماریتیم، از جمله سازمانهایی هستند که اعدام اعضای حزب توده ایران را شدیداً محکوم کرده، خواستار پایان بخشیدن به تظییقات و فشار علیه مبارزان ضدامپریالیست ایران گردیده‌اند.

گروهی از حقوق‌دانان و پزشکان شهر نیس نیز بدین مناسبت، از طریق ارسال نامه به سفارت جمهوری اسلامی در پاریس، اعتراضات خود را به مقامات مسئول حکومتی ایران، ابلاغ داشته‌اند.

گروه کثیری از پزشکان، استادان و محققین دانشگاه‌های تولوز ضمن ارسال تلگرام به سفارت جمهوری اسلامی ایران در فرانسه، خواستار پایان دادن به موج ترور و سرکوب نیروهای انقلابی در ایران شدند. آنان همبستگی کامل خود را با زندانیان سیاسی مترقی که قربانیان جنایات رژیم حاکم بر ایران می‌باشند، اعلام و رعایت حقوق قانونی زندانیان و پایان دادن به شکنجه و اعدام آن‌ها را خواستار شده‌اند.

ایتالیا

فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا در شهر بلونیا و اتحادیه سراسری سندیکاهای فلزکاران و دبیرخانه ایالتی اتحادیه سندیکاهای کارگری در ایالت امیلیا رومانیا، اعتراضات شدید خود را نسبت به اعدام ده تن از افسران و اعضای حزب توده ایران، طی تلگرام‌هایی به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ابراز داشتند. سازمانهای فوق‌الذکر همچنین از رئیس جمهور و نخست وزیر ایتالیا خواسته‌اند که به منظور حمایت از زندانیان سیاسی مترقی در ایران و حفظ موازین بین‌المللی حقوق بشر در این کشور، اقدامات عاجل به عمل آورند.

سوئد

سازمان جوانان کمونیست سوئد، گروه دانشجویان مارکسیست دانشگاه استکهلم و سازمان دانشجویان کرد در اروپا، شاخه سوئد، از جمله سایر نیروهای مترقی که عمل وحشیانه

هاینریش شیرمیک، نویسنده برجسته آلمانی، عضو آکادمی علوم و ادبیات شهر ماینس و عضو آکادمی زبان و شعر آلمان فدرال و آکادمی ایتالیا، طی نامه‌ای که از طریق سفارت جمهوری اسلامی ایران در بن به شورای عالی قضایی و دادستان دادگاه‌های نظامی تهران ارسال داشته، نگرانی خود را نسبت به رویه دستگاه قضایی ایران در قبال آزادی خواهان کشور ما و از جمله احکام خلاف قانونی که علیه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران صادر و اجرا شد، ابراز نموده است.

وی پس از تاکید بر این امر که تشکیل دادگاه‌های نظامی علیه "متهمان"، ناقض موازین بین‌المللی در مورد رعایت حقوق بشر بوده و احکام صادره از پیش، در خدمت منافع سیاسی حاکمیت راستگرا تعیین شده است، لغو کلیه احکام، برجیدن دادگاه‌های نظامی و رعایت حقوق زندانیان را به نام انسانیت و عدالت خواسته است.

فرانسه

اومانیتده، ارگان حزب کمونیست فرانسه در روزهای ۱۰، ۱۵ و ۱۶ مارس (۱۹، ۲۴ و ۲۵ اسفند)، به درج اخبار مربوط به شکنجه و آزار و اعدام توده‌ای‌ها در زندان و نیز اعلام محکومیت گروه دیگری از اعضای حزب در شهرهای رشت و ارومید اقدام کرده و بار دیگر، افکار عمومی فرانسه را به حمایت از آزادی خواهان ایران فراخوانده است.

از جمله اقدامات عملی که به ابتکار حزب کمونیست فرانسه در آخرین روز ماه فوریه (۱۱ اسفند) انجام گرفت، برپایی تظاهرات اعتراضی در مقابل ساختمان سفارت جمهوری اسلامی در پاریس بود که طی آن تظاهرکنندگان خواستار لغو احکام اعدام و آزادی کلیه دمکرات‌های مترقی از بند رژیم ایران گردیدند.

فدراسیون حزب کمونیست، فدراسیون جوانان کمونیست، گروه امداد مردمی، مبارزان سابق نهضت مقاومت علیه فاشیسم

اعدام افسران و اعضای حزب توده ایران را به دست جلادان حکومت جمهوری اسلامی، محکوم نموده‌اند. همچنین به ابتکار حزب کمونیست عراق، نامه اعتراضی با امضای ۱۰۰ نفر، به سفارت جمهوری اسلامی در سوئد ارسال گردیده است.

طی مراسمی که در استکهلم به مناسبت شصت و ششمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست آرژانتین برگزار شد، قطعنامه‌ای به تصویب رسید که در آن اعدام ده تن از اعضای حزب توده ایران و صدور احکام سنگین برای سایر اعضا به شدت محکوم شده است.

هندوستان

۲۴ تن از وکلای مترقی ایالت اوتراپرادش، طی نامه‌ای خطاب به رئیس جنبش عدم تعهد و ارسال رونوشت آن برای سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو و مطبوعات، اعدام ده تن از افسران مبارز و اعضای حزب توده ایران را به شدت محکوم کرده، خواستار پایان دادن به اعمال غیرانسانی رژیم حاکم در ایران و آزادی کلیه زندانیان دمکرات و صدور روایت جهت هیاتی مرکب از حقوق‌دانان و ناظران بین‌المللی به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک گردیده‌اند.

مسئولین مرکز تحقیقاتی علوم اجتماعی کلکته، همبستگی خود را با زندانیان توده‌ای و سایر نیروهای ضدامپریالیست ایران اعلام داشته، رفع تظییقات از آنان، آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی و اعزام هیاتی جهت بررسی وضع آنان را از نزدیک خواسته‌اند.

انجمن معلمان کالج و دانشگاه بنگال غربی که نه‌هزار نفر عضو دارد، طی برپایی جلسه‌ای همبستگی خود را با مبارزان در بند در ایران ابراز داشته، آزادی کلیه این میهن‌دوستان و پایان بخشیدن به سرکوب نیروهای مترقی را خواستار شدند.

جلسه شورای ایالتی فدراسیون سراسری دانشجویان هند در بنگال غربی که در تاریخ ۶ فوریه (۱۷ بهمن ماه) برگزار گردید، نامه‌ای اعتراضی تهیه و به سفارت ایران در دهلی نو ارسال گردید. **بقیه در صفحه ۵**

اعتراضات گسترده نیروهای انقلابی علیه اعدام توده‌ای‌های دربند

بقیه از صفحه ۲

داشت که طی آن روش غیرقانونی حکومت جمهوری اسلامی علیه اعضای حزب توده ایران و سایر نیروهای دگراندیش محکوم و رعایت حقوق این زندانیان طلب گردید.

● ۱۵ سازمان مترقی در بنگال غربی، ضمن اعلام پشتیبانی از حزب توده ایران، اعمال بی‌رویه حکومت جمهوری اسلامی را در قبال زندانیان توده‌ای و سایر نیروهای مترقی محکوم کردند. اسامی این سازمان‌ها به قرار زیر است:

- اتحادیه دانشجویان دانشگاه کلکته ● کانون تحقیقات علوم اجتماعی ● انجمن استادان دانشگاه و کالج بنگال غربی ● سازمان دمکراتیک سراسری زنان هندوستان، بخش بنگال غربی ● حزب کمونیست هند، شاخه بنگال غربی ● انجمن مدارس بنگال غربی ● انجمن معلمان و کارمندان این ایالت ● کنگره اتحادیه‌های کارگری سراسری هند - اتحادیه کارمندان شرکت‌های کلکته ● شورای صلح بنگال غربی ● سازمان سراسری صلح و همبستگی هند در بنگال غربی - فدراسیون ملی زنان هندوستان ● جامعه معلمان دبستان‌های سراسر بنگال و اتحادیه کارگری دیگر در این ایالت.

● تعدادی از اعضای مجلس ملی هند و مجلس قانونگزاری ایالت بنگال غربی، اعضای کانون تحقیقات علوم اجتماعی، وزیر مسکن و آبیاری بنگال غربی، تعدادی از اعضای سنای دانشگاه کلکته و گروهی از ادبا و هنرمندان هندوستان نیز که به دلیل کپیبرداری از درج اسامی آنان یوزش می‌طلبیم، حمایت خود را از زندانیان توده‌ای و سایر نیروهای دگراندیش دربند اعلام نموده‌اند.

● سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان - بخش کالیکت طی صدور بیانیه‌ای، تأثر و تأسف عمیق خود را نسبت به تفتیشات و فشاری که در مورد حزب توده ایران و اعضای آن اعمال می‌گردد و شکنجه و کشتار

توده‌ای‌ها، ابراز داشته و یک بار دیگر بر خواسته‌های نهادهای مترقی بین‌المللی، مبنی بر آزادی بلادرنگ کلیه زندانیان سیاسی مترقی، قطع شکنجه‌ها و صدور روایت برای عزیمت هیاتی به ایران که بتواند وضع زندانیان را از نزدیک بررسی کند، تأکید ورزیده است.

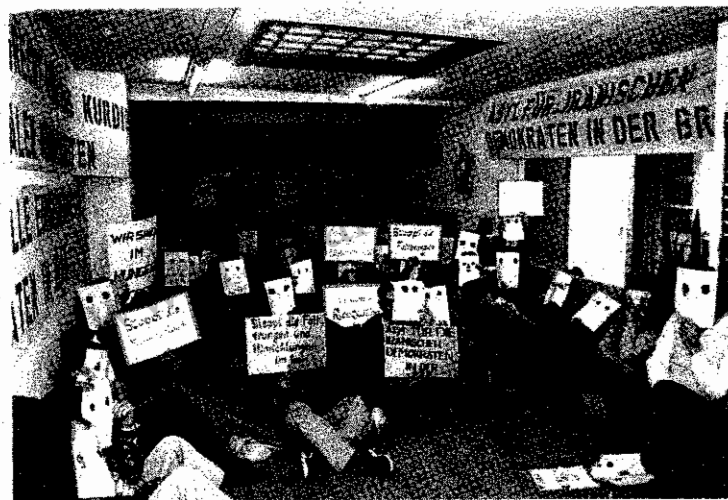
حزب کمونیست هندوستان اعدام توده‌ای‌ها را محکوم می‌کند

شورای ملی حزب کمونیست هندوستان، بلافاصله پس از اطلاع از اعدام ده تن از افسران و اعضای حزب توده ایران، اطلاعیه‌ای مطبوعاتی انتشار داد که طی آن عمیق‌ترین تالیبات

از جمله سازمانهای مترقی دیگر هندوستان که روش غیرانسانی و خلاف قانون حکومت جمهوری اسلامی را در قبال اعضای حزب توده ایران و سایر نیروهای دگراندیش ایران محکوم کرده‌اند، هفت سازمان زیرین می‌باشند:

- سازمان زنان زحمتکش پونا
- اتحادیه کارگران ریسندگی و بافندگی بمبئی
- حزب کمونیست هند - شاخه پونا - اتحادیه کارگری ساروشرامیک سانتاکاتا
- سازمان دمکراتیک جوانان بحرین - اتحادیه ملی دانشجویان بحرین
- جبهه دمکراتیک دانشجویان سودان.

● سیزدهمین کنفرانس ایالتی فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان از ۲۳ تا ۲۶ ژانویه (۲-۶ بهمن) در شهر میرزاپور واقع در ایالت اوتراپرادش برگزار



اعتصاب غذای ایرانیان میهن دوست در پسن

گردید، عرصه‌ای از تجدید همبستگی با اعضای دربند حزب توده ایران و سایر دمکراتهای زندانی ایران گردید. در قطعنامه‌ای که کنفرانس صادر نموده، اعمال تفتیشات و شکنجه‌های بی‌رحمانه در مورد این زندانیان، به ویژه توده‌ای‌ها محکوم و آزادی بدون قید و شرط آنان و عزیمت هیات‌هایی جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک خواستار گردید.

● گروهی از سازمانهای شرکت کننده در جلسه پنجمین کنفرانس سراسری فدراسیون دانشجویان هند نیز که در شهر کلکته تشکیل شد، بیانیه مشترکی صادر کردند که در آن، نقض موازین حقوق بشر

کمونیست‌های این کشور را به خاطر کشتار بی‌رحمانه این مبارزین در ایران ابراز داشت و ضمن محکوم کردن این عمل، از دولت جمهوری اسلامی ایران خواست به آزار، شکنجه و قتل مدافعان استقلال و آزادی میهن ما خاتمه دهند و نیز دولت هندوستان را فراخواند با استفاده از کانال دیپلماتیک، جلو کشتار میهن دوستان به دست رژیم سفاک ایران را بگیرد.

عصر جدید، ارگان هفتگی حزب کمونیست هندوستان، اطلاعیه مذکور را به چاپ رسانیده و در این رابطه به درج مقالات متعددی اقدام کرده است.

و شکنجه و آزار و قتل زندانیان به دست جلادان جمهوری اسلامی به شدت محکوم و آزادی مبارزین از بند خواستار گردیده است. اسامی سازمان‌ها بدین قرار است:

- فدراسیون دانشجویان هند
- کنگره ملی آفریقا - سازمانهای خلق‌های آفریقای جنوب غربی (سوازی) ● اتحادیه دانشجویان مترقی نیال - اتحادیه دانشجویان بنگلادش - سازمان انقلابی جوانان کامپوجیا ● سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در هند ● دانشجویان هوادار سازمان فداییان خلق ایران در هند

● سازمان سراسری دانشجویان ایرانی در هند، هوادار سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران - سازمان دمکراتیک جوانان افغانستان. ضمناً در خلال برگزاری کنفرانس، پیام‌هایی از جانب سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (اودیسی) - بخش هند، دانشجویان سازمان فداییان خلق ایران در هند و سازمان هوادار سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران قرائت گردید که در آن‌ها همچنین تحولات اخیر ایران مورد بررسی قرار گرفت و سیاست ارتجاعی حکومت جمهوری اسلامی و اعمال بی‌رویه این رژیم در قبال مبارزین ضدامپریالیست محکوم گردید. خانم لاکشی سنگال، مبارز بنام راه آزادی هند و نمایندگان افغانستان و کنگره ملی آفریقای شرکت کننده در کنفرانس

نیز از جمله کسانی بودند که در سفرانی خود، همدردی خود را با مردم و مبارزین در بند ایران ابراز داشتند و سیاست ارتجاعی حکومت اسلامی را محکوم کردند. درگی مدت برگزاری کنفرانس، نمایشگاه عکسی نیز تحت عنوان "مرگ بر آمریکا" با همکاری مشترک سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (اودیسی) و دانشجویان هوادار سازمان فداییان خلق ایران در هند برپا شد که مورد بازدید هزاران تن از نمایندگان شرکت کننده در اجلاس و مردم‌عادی قرار گرفت. آنان با اعضای فرم همبستگی، پشتیبانی خود را از زندانیان سیاسی مترقی ایران ابراز داشتند و جنایات رژیم ج.ا.ا را محکوم نمودند.

حلقه دیگر سیاست ایران بر بادده خائنین به انقلاب...

در چند ماهه اخیر، لرایحی به مجلس ارائه می شوند. و به تصویب می رسند که در جهت تثبیت نظام سرمایه داری وابسته است. در این مجموعه، قانون کار از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

اجرای یکی از آخرین مراحل به شکست کشاندن انقلاب، با تثبیت پایه های اقتصادی نظام سرمایه داری وابسته همراه است. یکی از عوامل اصلی در این زمینه، گسترش و افزایش نفوذ سرمایه داران بزرگ در عرصه تولید است. البته از همان اوایل انقلاب گرایشهایی در این زمینه وجود داشت که همزمان با تشدید روند روی برگرداندن حاکمیت از اهداف اولیه انقلاب، به گرایش مسلط بدل می شد.

نخست وزیر، هنگام تقدیم لایحه بودجه ۱۳۶۱ به مجلس در این مورد چنین گفت:
"من اینجا به صورت روشن اعلام می کنم که در چارچوب شرع و قانون اساسی، دولت مذافع گرایش سرمایه های بزرگ از توزیع به تولید است."

حزب توده ایران در همان هنگام اعلام کرد که در پیش گرفتن چنین خطی از جانب حاکمیت، برای کشور فاجعه آمیز خواهد بود و چنین نیز شد. حاکمیت جمهوری اسلامی در ادامه این سیاست طی این دو سال، کام های بزرگی برداشته است که سرکوب حزب توده ایران هسویی هرچه بیشتر با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از مهم ترین آنهاست.

اکنون همین سیاست از جانب حاکمان روشن تر بیان می شود. رییس جمهور در دیداری که اخیرا با "معتدین" بازار داشته است، پس از تعریف و تمجید علنی بی سابقه از سران بازار، می افزاید:

"کشیده شدن کسبه به بخش تولیدی جامعه از اساسی ترین کار است و سیاست کلی نظام جمهوری اسلامی نیز همین است."
به عبارت روشن تر، "سیاست کلی جمهوری اسلامی"، حاکم کردن

کلان سرمایه داران به ویژه سرمایه بزرگ تجاری پر تمامی عرصه ها، از جمله عرصه تولید است که سرمایه داران بلاد رنگ، برای تحقق بخشیدن به آن وارد عرصه عمل می شوند:

- صادق عسکر اولادی، (برادر عسکر اولادی معروف) رییس هیات مدیره اتحادیه و شرکت های تهیه و توزیع مصنوعات نفت سوز، گاز سوز و الکتریکی که بیش از ۱۶۰ واحد تولیدی و ۱۰۳۴ واحد صنفی را زیر پوشش خود دارد، خواهان آن است تا با کمک دولت، تعداد این واحدهای تولیدی را به ۴۰۰ برساند. (کیهان ۶۲/۱۲/۲۲)

- هشتمین اجلاس شورای هیات های ریسه و مسئولین اتاقهای بازرگانی و صنایع معادن کشور که ریاست آن را مهندس علی نقی خاموشی (برادر خاموشی معروف) مشارکت بخش خصوصی در سرمایه گذاری را خواستار شد.

نمایندگان سرمایه داران حاضر در این اجلاس، ایجاد یک واحد تولیدی ورق آهن و احداث چند کارخانه سیمان در جنوب کشور را طلب کردند. (جمهوری اسلامی ۶۲/۱۲/۱۴)

- در سمینار سراسری جامعه انجمن های اسلامی بازار و اصناف، سعید امینی دبیر کل این "جامعه"، از جمله کنترل بیشتر بخش خصوصی در مدیریت، کارخانجات را خواستار شد. (جمهوری اسلامی ۶۲/۱۲/۱۳)

برخی این طور وانمود می کنند گرایش سرمایه های تجاری به تولید باید با کاهش امکان سودجویی وسیع در عرصه توزیع همراه باشد. ولی واقعیت نشان می دهد که در اینجا نشان هایی حاکی از هم پیوندی هرچه بیشتر بین سرمایه تجاری و صنعتی به چشم می خورد. این امر به سرمایه داران امکان می دهد که کنترل تولید و توزیع و تعیین قیمت های فروش را در اختیار خود گیرند. سرمایه تجاری حاکم بر عرصه تولید، شرایطی دارد که باید به تدریج به مرحله اجرا درآیند، از جمله حمایت بانکی، امنیت اقتصادی و

اجتماعی، رابطه مستقیم و صمیمانه با انحصارات امپریالیستی، استثمار شدید کارگران و ناگفته پیداست، وظیفه تامین این شرایط بر عهده قوانینی است که این روزها به مجلس برده می شوند.

روزنامه جمهوری اسلامی ۶۲/۱۱/۲۴ در این مورد به صراحت اعلام می کند:

"اگر صاحبان سرمایه حلالی که تا کنون شهامت سرمایه گذاری بلند مدت را نداشته اند و راه توزیع سرمایه گذاری کوتاه مدت را برگزیده اند، اگر نکوییم همه، انصافا بسیاری از صاحبان این گونه سرمایه ها را بلا تکلیفی و انتظار به سرگردانی همچون سرمایه هایشان کشانده است. انتظاری که طبعاً اجرای اصل ۴۹ به آن پایان خواهد بخشید".

این سرمایه های بلا تکلیف (۴۹) ۷۰۰۰ میلیارد ریال برآورد می شوند.

در کنار "قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی"، تصویب قانون نظام بانکی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. پرداخت وام های کوتاه و بلند مدت با بهره های کم، مشارکت در تاسیس واحدهای صنعتی که پس از سوددهی به بخش خصوصی واگذار خواهند شد و ... در واقع همان سیاست حمایت های بانکی است که رژیم شاه نیز از سرمایه های بزرگ صنعتی و خصوصا سرمایه های وابسته به دربار به عمل می آمد و اکنون نیز مورد نیاز و تقاضای سران بازار است.

صحبت بر سر ۶۰۰ واحد تولیدی است که ملی شده و یا در اختیار بنیاد مستضعفان قرار دارد و طبق گفته سرپرست این بنیاد قرار است به بخش خصوصی برگردانده شود. این واحدها که اکثرا به بخش صنایع مصرفی و سودده تعلق دارد برای سرمایه داران لقمه چرب و نرمی است. بحث پیرامون این موضوع ظاهرا آخرین مراحل خود را طی می کند و هفته پیش پس از بحث در شورای عالی قضایی، جهت تصمیم گیری به شورای نگهبان

ارجاع شد. مسئله وابستگی صنعتی کشور و همچنین اتکاء اقتصاد به صادرات نفت نیز از مواردی است که لزوماً از یک سو با دادن اعتبارات کلان مالی به بخش خصوصی و از طرف دیگر با وارد کردن صنایع مصرفی و مونتاژ پیوند می خورد. رژیم جمهوری اسلامی در این زمینه نیز همان سیاست های ضد ملی رژیم شاه را دنبال می کند، آقای بانکی، یکی از سرشناس ترین سخنگویان این سیاست، اهم آن را بدین صورت تصویر می کند:

"اگر ما بخواهیم تولید صنعتی خود را زیاد کنیم، می بایست برای مدتی وابستگی مان به خارج بیشتر شود ... چون مملکت ما نیاز به سرمایه گذاری دارد، می بایست صادرات نفتی خود را بیشتر کند" (کیهان ۶۲/۱۲/۱۳).

حلقه تکمیل کننده این خیانت ها، پایمال کردن حقوق کارگران و به بند کشیدن آنها است

خواستهای سرمایه داران در این زمینه، کاملا روشن است. و تاکنون سخنگویان ارتجاع، چون توکلی، شورای نگهبان و ... آنها را به صراحت و بارها بیان کرده اند: - جلوگیری از "دخالت"

کارگران در امور مربوط به مدیریت، یعنی پایمال کردن اصل ۱۰۴ قانون اساسی و نادیده گرفتن حق مشارکت کارگران در اداره واحدها.

- سرکوب تشکلهای صنعتی کارگران مانند سندیکا و شورا، کنترل کامل تشکلهای کارگری از جانب دولت و کارفرمایان، فلج کردن فعالیت صنعتی این تشکلهای و از میان برداشتن امکانات عملی این فعالیت ها ...

- بازگازدن دست سرمایه داران در استثمار بی حد و مرز کارگران، عدم اجبار به رعایت حداقل حقوق کارگران. - ایجاد امکان استثمار

آقای "صدیق" را می‌شناسید؟ ایشان یکی از رهبران مشهور ج.ا. هستند که تا روز جمعه ۱۹ اسفند فقط لقب "حجت الاسلام والمسلمین" را داشتند، ولی در آن روز صلاح دیدند که لقب "سخنگوی صدیق" را هم به خود اعطا کنند. از آن روز شدند حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی سخنگوی صدیق! که به قول خودشان: "همه چیز را با مردم در میان می‌گذارند." مگر اصل قضایا را. آقای "سخنگوی صدیق" در آن روز مطالبی گفتند که باید مورد بررسی قرار گیرد، چون بهرحال از سر صدق گفته شده و بیانگر استراتژی ج.ا. است. حتما تا امروز نمی‌دانستید که مردم میهن ما بطور کلی و عموماً به دو گروه تقسیم می‌شوند. یک دسته آنها هستند که "بیشتر به کنترل دولت توجه دارند" یعنی خواستار نظارت دولت بر اقتصاد کشور و هدایت آنست. "بخاطر اینکه از ستم دنیای غرب و شرارت‌های آن رنجیده و این همه فساد از دنیای غرب دیده و بخاطر کثافت کاری‌هایی که سرمایه‌داران و پولدارها در این مملکت کردند و هنوز هم می‌کنند و بخاطر وحشتی که از حکومت سرمایه پر ذهن آنها مستولی است ... بیشتر طرفدار این هستند که دست بخش خصوصی از تصمیم‌گیری‌های اصولی‌کننده شود... و سرخ قضیه در دست دولت باشد که طغیان نشود." از این‌گونه افراد که این طرز فکر را دارند در بین "مراجع هست، توی شورای نگهبان هم هست، توی مجلس شورای اسلامی هم هست، توی دولت هم ... هست، توی کارخانه‌ها، نهادها، و مردم هم هست..." (رفسنجانی نماز جمعه ۱۹ اسفند). ولی "یک عده هم از این طرف هستند که" اکثریتشان مسلمان و متعهد هستند. "همانجا) ولی از ستم و شرارت‌های غرب رنجیده‌اند از غرب و سرمایه‌داران و پولداران کثافت کاری‌هایی ندیده‌اند و از حکومت سرمایه پر ذهن آنها وحشتی مستولی نیست و مخالف‌کننده شدن دست بخش خصوصی از تصمیم‌گیری‌های اصولی هستند و نمی‌خواهند که سرخ قضیه دست دولت باشد " و از این‌گونه افراد هم " در بین مراجع هست، توی شورای نگهبان هم ... هست، توی مجلس شورای اسلامی هم ... هست، توی دولت هم ... هست، توی کارخانه‌ها (!) نهادها و مردم هست ... " که طبق بیانات آقای "صدیق" فکری‌کنند: "که نمونه‌هایی که در کشورهای کمونیستی ما داریم می‌بینیم که هر چه دولت‌ها مستبدتر و حاکم‌تر شدند وضع مردم بدتر شده و کشورهای کمونیستی که اصلاً خدایشان هم اقتصاد است، (!) اقتصادشان شکست خورده (!) و هر چه بطرف دولتی کردن برویم بخش خصوصی از نشاط می‌افتد، فعالیتش کمتر می‌شود، ضربه می‌خورد، اقتصاد و تولید ضربه می‌خورد، توزیع نامنظم می‌شود، این اشکالاتی است که معروف است و مکرراً از امپریالیسم خبری و

سخنگوی صدیق!؟

سرمایه‌داران و کارگزاران آنها) شنیده‌اید این هم یک طرز تفکر است که وجود دارد. "همانجا) ... این فکر... چیزی نیست که مخصوص یک طبقه باشد، تحصیل‌کرده‌ها، دانشگاهیان، طلبه‌ها، علما و کارگران هر دو چور را دارند." (همانجا)

خب! حال از این سخنان آقای "صدیق" چه چیز دستگیرمان می‌شود؟ اول آنکه حاکمیت ج.ا. از صدر تا ذیلش در تب بحرانی عمیق می‌سوزد و اختلاف نظر و طبعاً اختلاف عمل بر تمام دستگاه‌های حاکمیت ج.ا. از مراجع گرفته تا شورای نگهبان، مجلس و دولت و نهادها حکمفرما است. وقتی در یک دستگاه و نظام حکومتی اختلاف نظر و عمل در ارکان‌های آن تا این حد ژرف و گسترش پیدا کرد دیگر بآن اختلاف نظر نمی‌گویند و اسم آن می‌شود بحران عمیق.

نکته دیگری که از سخنان آقای "صدیق" دستگیر ما می‌شود این است که گویا نیمی از کارگران ایران گرفتار اختلال مشاعر شده‌اند و با پا فشاری و اصراری عجیب میل دارند که توسط سرمایه داری وابسته بیرحمانه غارت شوند و خیلی هم نگران آن هستند که مبدا "سرخ قضیه بدست دولت بیفتد" و در نتیجه خدای ناکرده به نشاط سرمایه‌داران وابسته و بزرگ مالکان لطمه وارد آید. و چه بسا که اصلاً نشاطشان را بکلی از دست بدهند، از این روتوگویی که شب و روز دست دعا بر آسمان برداشته و از خدای طلبند که خدایا، خداوندگارا، اگر ما مسکن نداریم، اگر بهداشت نداریم، اگر گوشت کیلویی ۱۵ تومان و برنج کیلویی ۷۰ تومان نمی‌توانیم برای زن و فرزندان خود تهیه کنیم، اگر بچه‌های ما مدرسه و معلم ندارند، اگر در فقر و نکبت غوطه می‌خورند هیچکدام مهم نیست، اگر ثروت‌های ملی ما هم بدتاراج رفت مهم نیست، بر سر میهن ما هم هر چه رفت، رفت، ولی تو خودت کار دان و کارسازی هر جور می‌دانی این نشاط سرمایه‌داران را حفظ بفرما! که برای ما چیزی از آن با ارزشتر وجود ندارد.

نکته سومی که از گفته‌های آقای "سخنگوی صدیق" می‌آموزیم این است که گرایش گروه اول به اقتصاد باصطلاح دولتی دارای یک سلسله علل روانی، اخلاقی و بهداشتی است: اول بدلیل آنکه: ترسو هستند و از تسلط سرمایه می‌ترسند. دوم بدلیل آنکه: نازک نارنجی هستند و از "فساد و شرارت‌های غرب رنجیده‌اند" سوم آنکه: بدلائل بهداشتی از دیدن

کثافت کاری‌هایی که سرمایه‌داران در این مملکت کرده و می‌کنند چندشان می‌شود! چهارم آنکه: باز هم بدلیل ترسو بودنشان از "طغیان" مردم می‌ترسند. پنجم آنکه: از حرف‌های اینها بله‌می نفهمی بوی و رنگ کمونیستی (!) می‌آید.

و امادسته دوم: اینها یک گروهی هستند سرحال و باشناط و فعال و دمکرات و آزادی‌خواه و دوستدار بهبود وضع مردم و مخالف احتکار و طرقدان توزیع منظم که نمی‌خواهند به اقتصاد و تولید ضربه بخورند، مخالف کمونیسم و کشورهای کمونیستی هستند که هر چه دولت‌ها مستبدتر و حاکم‌تر شدند وضع مردم بدتر شده و وضع تولید و توزیع نامنظم شده است (قبل از آنکه به نتیجه‌گیری از سخنان "گوینده صدیق" بپردازیم ضروری است در حاشیه یادآور شویم که اگر شاخص سوسیالیسم استبداد، اقتصاد شکست‌خورده، تولید ضربه خورده و توزیع نامنظم باشد، ج.ا. یکی از "کمونیستی" ترین! کشورهای جهان است! بهتر است سخنگویان "صدیق" ج.ا. که شلاق و شکنجه، زندان و اعدام و سرکوبی کردن خانواده‌ها و بستگان زندانیان سیاسی را شیوه عادی حکومت خود ساخته‌اند، سه بار دهان خود را آب بکشند و بعد از این هم با سر زبان آوردن تصنیفات امپریالیسم خبری معلم دمکراسی و اخلاق برای دیگران نشوند.)

برگردیم بر سر مطلب و ببینیم منظور آقای گوینده "صدیق" از این بافندگی‌ها چیست: تمام این باصطلاح تجزیه و تحلیل‌ها و توصیف و تفسیر‌ها برای طفره رفتن از بیان این واقعیت است که اکثریت قاطع مردم زحمتکش میهن ما از جمله زحمتکشانی که بهیچوجه نمیتوان ادعا کرد که "خدایشان اقتصاد است" همچنان بیگیرانه خواستار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی هستند. بخش مهمی از خواست‌های آنان در قانون اساسی که به تأیید همه مراجع عظام رسیده است بازتاب یافته است، علیرغم این همه، اقلیت ناچیزی یعنی سرمایه‌داران بزرگ و زمینداران کلان که اینک از جمله به همت سازشکاران فرصت طلبی همچون خود آقای رفسنجانی بر مقدرات توده‌ها حاکم شده‌اند و نمایندگان آنها که هم در بین مراجع هستند هم شورای نگهبان و هم در مجلس، در دولت و هم در نهادها از اساس با این خواست‌های مردم مخالفند. ما هم تسلیم آنها شده‌ایم و مبلغ نظریات و خواست‌های آنان. ما به مردم و اهداف انقلاب خیانت کردیم، ما میراث شهیدان را به امپریالیسم و متحذنان طبقاتیش فروختیم و خود به خدمت آنها در آمدیم و اینک برای آشتی با شیطان بزرگ لاله می‌زنیم. آری چون اینها را صاف و صریح و پوست‌کنده و صادقانه نمی‌توانند به مردم بگویند، از آن حرف‌های آتچناتی به هم می‌بافند.

مرگ بر امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

خاطرات شهید خسرو لطفی از روزهای انقلاب

رفیق خسرو لطفی در سال ۱۳۳۲ در خانواده‌ای زحمتکش در شهر قاشم شهر (شاهی سابق) به دنیا آمد. وی پس از پایان تحصیلات متوسطه در دانشکده مکانیک دانشگاه صنعتی تهران به ادامه تحصیل پرداخت. شهید لطفی همواره در برابر مطالب اجتماعی حساسیت فوق‌العاده‌ای داشت و به همین جهت، سراسر دوران کوتاه دانشکده را به مبارزه علیه رژیم سرنگون شده سلطنتی گذراند. این عامل تعیین‌کننده‌ای در اخراج او از دانشکده بود. رفیق لطفی در اواخر سال ۱۳۴۴، هنگامی که برای گذراندن دروس عملی خود در کارخانه ماشین‌سازی سایپا (ژیان) سرگرم کار شد، شاهد اعتصابات گسترده بیش از هزاران تن از کارکنان این کارخانه بود که در مقابل ظلم سرمایه‌داران بپا خاسته و از حقوق مشروع خود و نیز برای دریافت سودویژه‌ای که حق آنان بوده به اعتصاب متوسل شده بودند. شهید لطفی با هیجانی بیش از دیگر دانشجویان، این اعتصاب را دنبال می‌کرد و نیز شاهد بود که ماموران ژاندارمری چگونه تفنگ و مسلسل به دست در برابر کارگران صف کشیده و منافع سرمایه‌داران را حفظ می‌کردند.

پس از آنکه رفیق خسرو لطفی به خاطر شرکت فعال و سازماندهی اعتصابات دانشجویی دانشکده مکانیک، به همراه بیش از ۲۰ دانشجوی دیگر از دانشکده اخراج و به عنوان گروهیان وظیفه به قوچان فرستاده شد. شهید لطفی در یکی از رفت و آمدهایش به تهران، با اعضای سازمان مخفی حزب توده ایران تماس گرفت. رفیق لطفی عضویت خود را در حزب، این گونه توضیح می‌داد:

"خوشحالم از این که به یک مجموعه جهانی از انقلابیون که پاسدار منافع زحمتکشانند، پیوسته‌ام".

شهید لطفی در مذاکرات اصول مخفی کاری در دوران مبارزه علیه شاه و نیز در افشای طرح‌های محرمانه رژیم ضد مردمی شاه آمریکایی علیه توده‌های مردم ستم کشیده ایران نهایت کوشش را به کار می‌برد. او برای اجرای قراردادی سازمانی از قوچان به تهران می‌آمد و به قول خودش: "آخر

همراه خلق در سنگر

"... در تقاطع تهران نو - قاسم آباد، جمعیت در بین شعارهای "الله اکبر" فریاد می‌زدند:

- رهبران، رهبران، ما را مسلح کنید.

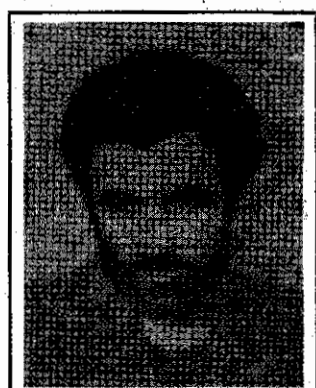
چهره‌ها پیر از خشم و سرگشتگی بود. در حالی که سراپا آماده هجوم به قلب مرگ و خطر بودند و مثل سیر و سرکه دروم می‌جوشیدند، نمی‌دانستند با دست خالی چه بکنند. گروهی از آنها را جمع کردیم و گفتیم:

- درست نیست، همین طور دست روی دست بگذاریم. بیا دادن شعار دلمان را خوش کنیم. انقلاب وارد مرحله مسلحانه شده و به زودی تمام شهر را می‌گیرد، چندان از جوانها با آشفته‌گی گفتند:

: - چکار می‌توانیم بکنیم؟ گفتیم:

"باید به مبارزان نیروی هوایی کمک کنیم، وگرنه گاردی‌ها نابودشان می‌کنند. همه با

توزیع می‌کردند. سراسر خیابان به یک جبهه فعال تدارک جنگ می‌ماند. چند نفر هم با یک اتوموبیل ژیان مشغول جمع‌آوری پنبه، الکل، باند، ملحفه و سرنگ برای بیمارستان بودند. آن هرج و مرج و سرگردانی اولیه، جای خود را به نظم هیجان انگیز و پرتلاشی داده بود. پس از آن که سنگرهای خودمان برپا و مجهز شدند، شروع به توزیع کوکتل مولوتف‌ها در محله‌ها و خیابانهای اطراف کردیم. نزدیک ظهر نیروی کمکی گارد با ۷ اتوموبیل ریزو سر رسیدند. مادر سنگرها آماده حمله به آنها بودیم. بعضی از مبارزان روی پام‌ها کمین کرده بودند. مردم شور و شهادت افسانه‌واری برای نبرد و درآویختن با همه غطرات آن داشتند. این نخستین نبرد ما بود و دل‌هایمان از شدت بی‌تابی و هیجان مثل دهانه یک آتشفشان بود که در یک لحظه هر هفت "ریو" در دود و آتش کم شدند. یکی از گاردی‌ها در داخل اتوموبیل سوخت و غریب مردم مسلح، چون تندر خیابان را به



رفیق شهید خسرو لطفی

لرزه درآورد. من و رفقای دیگر مرتب به سنگرها سرکشی می‌کردیم. نه، این توده‌های مصمم و از جان گذشته واقعا غیر قابل شکست بودند.

آن‌ها حاشر بودند تا به اعماق جهنم هم بیورش ببرند.

یک افسر نیروی هوایی که صورتش را با دوده سیاه کرده بود، خودش را به من رساند. در دستش یک مسلسل یوزی بود. مردم چون یک سردار فاتح از او استقبال می‌کردند... برایش کف می‌زدند و بقیه در صفحه ۹

خاطرات شهید خسرو لطفی از روزهای انقلاب

بقیه از صفحه ۸

صورت سیاهش را بارها و بارها غرق بوسه می کردند. افسر قهرمان وقتی سنگرهای آماده و نتیجه نخستین پیروزی مردم را دید، بغضش ترکید و اشک پنهانی صورتش را خیس کرد. از من پرسید:

این سنگرها را شما مهیا کرده اید؟
گفتم: بله.
گفت: دستتان درد نکند، مرا باش که آمده بودم بگویم راه بندان کنید و سنگر بسازید، اما مردم پیشاپیش همه کارها را روپراه کرده اند.
گفتم:

صحنه بودند، کف می زدند. ما دوباره به سوی سنگرها رفتیم. می دانستیم که لحظه نبرد واقعی، نبرد مرگ و زندگی، به سرعت فرا می رسد....

سرلشگر ریاحی را اسیر کردیم

ما بسبب های آتش زا را روی تانک هایی که زیر پیل فوزیه به دام افتاده بودند، انداختیم و مردم با کوکتل های مولوتف دریایی از آتش به سوی آنها سرازیر کردند. گاردی هایی که از درون تانکهای شعله ور گریختند، با گلوله درو شدند. از داخل یکی از تانک های



یکی دیگر از تیترهای کیهان در روز پیروزی انقلاب

ما حتما پیروز می شویم.
برق عیبی در چشمهایش درخشید و گفت:
حتما!
پاهایم را محکم به تم کوبیدم و به حالت خیردار نظامی گفتم:
ارتش خلق در قاسم آباد تا پای جان در اجرای اوامر برادر فرمانده گوش به فرمان است.
سلام نظامی داد و با لحن رسمی محکمی گفت:
ارتش خلق ایران گوش به فرمان آزادی است ... پیش به سوی آزادی... و سپس دستم را به گرمی فشرد و با قامت استوار دور شد. رفقا و مردم که ناظر این

مسخ شوراهای روستایی، گامی دیگر در روند بازگشت انقلاب

بقیه از صفحه ۱۴

شوراهای واقعی و تمام عیار بدل شوند.

حزب توده ایران که پرچم دار و وارث سنن انقلابی درخشان زحمتکشان ایران است، به شوراهای روستایی به مثابه دستاورد مهم جنبش دهقانی می نگریست و با برخوردی روشنگرانه و اصولی نقاط ضعف این شوراهای را خاطر نشان می ساخت و برای دستیابی شوراهای روستایی به مقام واقعی خود تلاش و مبارزه می کرد.

سرنوشت شوراهای روستایی، جدا از سرنوشت انقلاب نیست

آنچه طی پنج سال بعد از انقلاب بر شوراهای روستایی گذشته، جدا از رویدادهایی نیست که بر مجموعه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران رفته است.

با چرخش به راست هیات حاکمه و با خیانت به اهداف انقلاب، این دستاورد مهم جنبش انقلابی - دهقانی نیز مورد هجوم قرار گرفت. با رکود و سپس بازگشت انقلاب، بازگشت مالکان به ده آغاز گشت. مالکانی که ابتدایی ترین حقوق روستاییان زحمتکش را لگدمال می کنند. بنا به سرشت زانو صفتانه و استثمارگرانه خود، طبیعتا حق شرکت روستاییان را در امور مربوط به سرنوشت خود به رسمیت نخواهند شناخت.

نباید فراموش کرد هنوز روند بازگشت انقلاب به مرحله ای نرسیده که ارتجاع حاکم بر ایران، شوراهای روستایی را به کلی منحل کند. در واقع هنوز ابزار قانونی آن را تدارک ندیده است. لذا سیاست مسخ کامل شوراهای روستایی بهترین و عملی ترین سیاستی است که در حال حاضر می تواند در پیش گیرد. امروزه حاکمیت تلاش دارد شوراهای روستایی به وظایف اساسی خود نپردازند، بلکه به اموری به کلی بی اهمیت و به وظایفی اشتغال ورزند که در واقع وظیفه دیگر سازمانهای محلی نظیر انجمن های اسلامی و فرهنگی و تبلیغاتی و غیره است. گفته وزیر جهاد سازندگی در زمینه عملکرد ۲۸ هزار شورای

روستایی دلیل این مدعاست. او می گوید:

"شوراهای اسلامی روستایی در سراسر کشور در زمینه کمک به تولید کشاورزی، بالا بردن قدرت بسیجی این شورا، زیر نظر روحانیت متعهد برای سوادآموزی و بالا بردن فرهنگ اسلامی در روستاها عمل می کند" (اطلاعات ۱۸ اسفند).

امروزه کمک جهت جمع آوری امکانات مالی و انسانی لازم برای ادامه جنگ بیهوده و خانمان برانداز، یکی از مهم ترین عمل کردهای شوراهای روستایی است. مسئول هماهنگی مرکز شوراهای اسلامی جهاد سازندگی بپیرجند در مورد ۹ شورای روستایی بپیرجند می گوید:

"همچنین تعداد ۱۲۸ تن از اعضای شوراهای اسلامی جهت آشنایی و بررسی نیازهای جبهه های جنگ به مناطق جنگی اعزام شده اند."

با گسترش روند بازگشت انقلاب، حاکمیت خائن تلاش دارد شوراهای روستایی را روز به روز بیشتر از مسیر اصلی خود منحرف سازد و از محتوای طبقاتی و انقلابی خود تهی کند. طبیعی است چنین شوراهایی، تجلی گاه آرای عمومی روستاییان در اداره امور کشور نخواهند بود. تنها در شرایط حاکمیت دمکراتیک و انقلابی است که شوراهای روستایی، مظهر اراده و عمل دهقانان زحمتکش خواهند بود.

دهقانان زحمتکش و انقلابی میهن ما، به همراه نیروهای پیگیر و انقلابی ایران، با مبارزه خود، ترسند رسوای مسخ شوراهای روستایی را بی اثر خواهند کرد.

تصحیح و یوزش

متأسفانه در مقاله "ایران در سالی که گذشت" "راه توده" شماره ۸۵ اشتباهاتی رخ داده است: در ستون چهارم از صفحه ۹ عبارت "صدها تن دیگر..."، دهها هزار تن درست است. در ستون اول از صفحه ۱۵ عبارت "روزانه نزدیک به ۲۵ میلیون..."، ۷۰ میلیون درست است.

تقلاهای عبث برای جدی جلوه دادن مضحکه انتخابات

بی تفاوتی مطلق اقتدار مختلک مردم نسبت به بازی شرم آوری که حاکمیت جمهوری اسلامی به نام "انتخابات" به راه انداخته، نگرانی عمیق آنان را سبب شده است. توده های مردم طی این پنج سال با تجربه تلخ شخصی دریافته اند که حاکمیت جمهوری اسلامی حق دخالت در تعیین سرنوشت خویش را برای مردم ایران به رسمیت نمی شناسد. مگر نه اینست که "شورای نگهبان" طی این پنج سال جز دفاع از کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی کاری انجام نداده و از نامزد شدن همه کسانی که وفادار به توده های زحمتکش خلق بوده اند، برای نمایندگی مجلس جلوگیری کرده است؟ "شورای نگهبان" مردم را در این مدت فقط مجبور کرده است از یک سوزیر فشار تهدید اخراج از کار و قطع چیره مواد اولیه غذایی در "انتخابات" شرکت کنند و از سوی دیگر میان "شمر" و "یزید" که صلاحیت مردوشان را تایید کرده یکی را برگزینند. مگر بر اثر "نگهبانی" این "شورا"، دزدان و غارتگران پرونده داری مانند آقایان پوراستاد و خاموشی، با سلام و صلوات وارد مجلس نشدند و با تقویت جرگه ارتجاع حاکم، انقلاب شکوهمند بهمین راه ورطه مسخ و شکست قطعی نکشاندند؟

اما رژیم خونخوار حاکم بر ایران هم مانند سلف خود، شاه و دیگر رژیم های جنایتکار و مستبد سراسر جهان احتیاج به عوام قریبی و تقاضا به احترام به عقاید مردم دارد. چرا که مردم دیگر خوب می دانند این گونه دروغ ها هم مانند دروغ های رژیم شاه مبنی بر خواب نما شدن و کک های حضرت عباس به او، دلیلی بر هیچ نیابت و ماموریتی از جانب "امام غایب" نیست و حاکمیت این دروغ بزرگ را برای توجیه حاکمیت انحصاری و دیکتاتوری خونین خویش ابداع کرده است. مردم این حقایق را دیگر دریافته اند و از این مضحکه انتخاباتی سخت متنفر و نسبت به

آن بی اعتنا شده اند. از این روست که حاکمیت تمام نیروی خود را به کار گرفته تا چهره زشت "انتخابات" را کمی بیاراید و با تشریح و التماس به پای دانشجویان افتاده است و از آنان استمداد می طلبد با شرکت خود در "انتخابات" به آن انگ "آزاد" بزنند!

ظاهرا دستاویز کارزار کلونی برای تشویق دانشجویان به شرکت در "بازی" این است که چند تن از تئوریسین های ارتجاعی ترین جناح های حاکمیت جمهوری اسلامی آنچه نباید می گفتند، به زبان آوردند! آنان آشکارا گفتند که روحانیت حق کاندیدا کردن و انتخاب شدن را انحصاراً متعلق به خود می داند و کسانی که "علم الادیان" نخوانده اند و به درجه اجتهاد نرسیده اند حق "دخالت" در این کارها را ندارند. آنان مدعی شدند که در ایران حکومت "الله" برقرار است و این حکومتی است که رسالتش "از آدم (ع) شروع و به خاتم (ص) پایان یافته و سپس امامتش به اولاد علی (ع) واگذار شده و اینک حکومت حق "بقیه الله الاعظم" است که خودش غایب ولی "نایب برحقش رهبر انقلاب و بنیان گزار جمهوری اسلامی ایران است."

اما مردم می پرسند پس در چنین "حکومت الهی" که آراء مردم در آن ارزشی ندارد و هر چه بگویند ناشنیده باقی می ماند و هر چه "ولی فقیه" بگوید حجت است، به هدر دادن پول و وقت گرانبها برای انجام یک کاری بی حاصل چه معنایی دارد؟ بگذار خودشان ببرند و بدوزند! ناگفته نیداست در پیش گرفتن چنین سیاسی انزوی حاکمیت را در میان توده های زحمتکش خلق کامل می کند. از همین رو سردمداران جمهوری اسلامی می کوشند برای مقابله دست به کاری بزنند.

نخست آیت الله خمینی کسانی را که انتخابات را حق مجتهدین دانسته بودند نفی کرد و سپس آیت الله منتظری با ذکر

جزئیات بیشتر خواهان شرکت دانشگاهیان در انتخابات شد. به دنبال ایشان حجت الاسلام خوئیینی ها و آقای فخرالدین حجازی را به دانشگاه فرستادند تا برای دانشجویان سخنرانی کنند و آنان را از این حالت بی تفاوتی بیرون بیاورند.

اما آن کس که در این میان حرف رک و قاطع اکثریت مرتجع و قشری حاکمیت را همچنان تکرار می کند آقای ناطق نوری، وزیر کشور است که برخلاف آقایان منتظری و خوئیینی ها، اهرم واقعی را درست دارد. او برای حرفهایی که تحمیل مردم و دانشگاهیان را هدف قرار داده، گوش شنوایی

ندارد و وظیفه ای که "استادزل" به عهده اش گذاشته، مو به مو اجرا می کند.

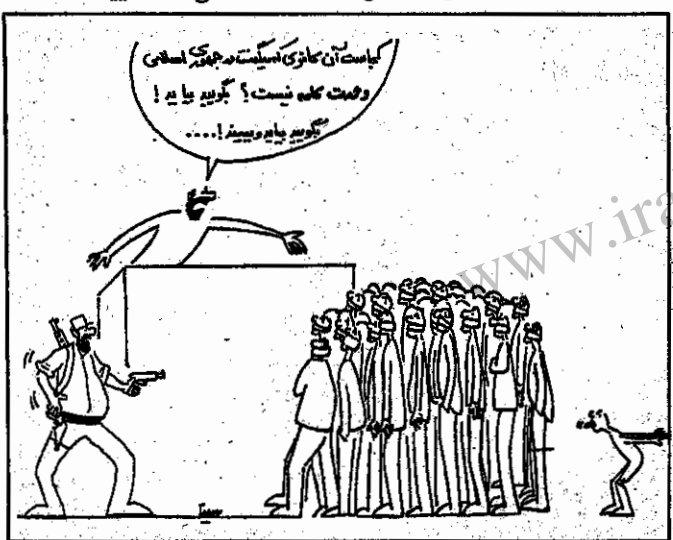
آقای ناطق نوری، روز بیست و یکم اسفند ماه در یک مصاحبه مطبوعاتی مطالبی در مورد انتخابات عنوان کرد که بسیار در خور توجه است.

او گفت انتخابات روز ۲۶ فروردین انجام می شود و کلیه کاندیداها می توانند از روز ۲۸ اسفند به مدت یک هفته با مراجعه به وزارت کشور و یا حوزه های انتخابیه خود، اقدام به ثبت نام کنند. سال ۱۳۶۲، سال کبیسه بود و اسفند ماه، ۲۰ روز داشت. روز سیام اسفندماه بعد از ظهر سال تحویل شد. به این ترتیب، آقای ناطق نوری تنها روزهای

نیمه تعطیل ۲۸ و ۲۹ اسفند را در اختیار کاندیداها گذاشت. روزهایی که مردم به علت فرا رسیدن نوروز و تعطیلات آن به کارهای شخصی خود می رسند، بدیهی است در طول تعطیلات رسمی نوروز، وزارت کشور نیز تعطیل است.

در نتیجه یک هفته آقای ناطق نوری به دو روز در شب عید که مردم هیچ فرصتی ندارند، تبدیل شد.

البته این ثبت نام، هنوز آخر کار نیست. "وزارت کشور سپس صلاحیت کاندیداها را بررسی می کند و اسامی آنان اعلام خواهد شد." کسانی که تایید شدند ۲۳



روز فرصت خواهند داشت تا برنامه های تبلیغاتی خود را انجام دهند. "در اینجا آقای ناطق نوری نکته ای را می گوید که رسوایی بازی شرم آور "انتخابات" را به کلی برملا می سازد. او یادآور می شود:

"اگر کاندیدایی قبل از تایید صلاحیت خود اقدام به امور تبلیغاتی نماید این امر به عنوان یک امتیاز منفی در تعیین صلاحیت و یا تصویب اعتبار نامه او در نظر گرفته می شود."

ملاحظه کردید؟ حتی تصویب اعتبار نامه هم در "کف با کفایت" آقای وزیر کشور است نه خود مجلس! در عین حال سربه زیر بودن و حرف شنوی داشتن یک امتیاز بقیه در صفحه ۱۱

حاکمیت سرکوبگر ج.ا. از اعلام سرنوشت توده‌ای‌های محاكمه شده وحشت دارد

خیانت باری همراه است، از توطئه‌هایی که برای درهم شکستن و اعمال شکنجه بیشتر بر "متهمین" تدارک دیده شده، حکایت می‌کند. مردم ایران و خانواده‌های توده‌ای‌های در بند، حق دارند از سرنوشت فرزندان و بی‌گناهی‌ترین پشتیبانان خود با خبر شوند. سردمداران جمهوری اسلامی، حتی این حق را هم محترم نمی‌شمارند!



حزب" در آذربایجان شرقی و طبق اظهاردهستان انقلاب اسلامی رامسرتنها احکام ۵ تن از اعضای حزب در این شهر صادر شده است. از احکام صادره در مورد "۴۰ تن از اعضاء فعال حزب در بوشهر" که آغاز محاکمات فرمایشی آنان در اطلاعات - ۱۰ بهمن اعلام شده، خبری منتشر نشده است. این مطلب در باره "حدود یک صد تن از اعضای حزب در کرمان" که آغاز محاکمات آنان "طی چند روزه آینده" در اطلاعات ۶ بهمن درج شد و نیز "۴۰ تن از اعضاء و هواداران" حزب در رشت و "۱۱ تن از اعضاء شبکه مخفی و علنی در شیراز"، هم چنین اعضاء و هوادارانی که پیش از یک سال است در زندان‌های بهبهان و آغاچاری، لاهیجان و لنکرود و شاهرود و... اسیرند نیز صادق است.

سردمداران جمهوری اسلامی که هم‌چنان از انتشار لیست بیش از ۸۵۰ توده‌ای در بند احتراز می‌کنند، می‌کوشند با طفره‌رفتن از اعلام سرنوشت تعداد معدودی که ناگزیر برپایی محاکماتشان را منتشر ساخته‌اند، ابعاد جنایاتی‌را که مرتکب شده‌اند ناچیز جلوه دهند. طبق ماده ۸ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب اسلامی که در مجموعه قوانین سال ۵۸ نیز به چاپ رسیده: "مدت دادگاه(ها) حداکثر یک هفته خواهد بود".

نقض این ماده که به خودی خود، اصلت حقوقی محاکم دادرسی را خدشه پذیر می‌سازد، اکنون که با "پرده پوشی‌ها" و "مخفی کاریهای"

از برپایی دادگاه‌های فرمایشی اعضاء و هواداران حزب توده ایران در شهرستانها، بیش از دو ماه می‌گذرد. این دادگاه‌های ضایعی که ضوابط تشکیل آنها با هیچ یک از موازین حقوقی و انسانی مورد پذیرش جوامع متقدم هم خوان نیست و حتی با قوانین و آیین‌نامه‌های دادرسی مصوبه مراجع قضایی جمهوری اسلامی نیز مغایرت تام دارد، تنها بر اساس دستورالعمل نامعلوم ارسالی از مرکز، "متهمان" را محاکمه و حکم صادر می‌کند. سلب حق داشتن وکیل مدافع، نقض اصل علنی بودن دادگاه‌ها - که بر اساس تبصره ۱ ماده ۲۹ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب، صلاحیت دادگاه را تضمین می‌کند - فقدان وجود مدرک و سند معتبر برای اثبات "اتهامات" وارده و... از ویژگی‌های اصلی این دادگاه‌های ضایعی است که اعتبار "محاکمه بودن" آنها را به کلی ساقط می‌کند.

روزنامه‌های مجاز کشور از آغاز بهمن ماه سال پیش، خبر برپایی محاکمات فرمایشی اعضاء و هواداران حزب توده ایران را در استان‌ها و شهرهای مختلف ایران: کرمان، ارومیه، شیراز، بوشهر، شاهرود، کازرون، بهبهان و آغاچاری، لاهیجان و لنکرود و رشت و رامسر به چاپ رساندند.

طبق اعلام دفتر دادستانی انقلاب اسلامی شیراز، تنها احکام ۸ تن از اعضای حزب در کازرون، بر اساس گفته رییس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز، احکام ۲۳ تن از "هواداران ساده

تقلای عبث‌پرای جدی جلوه‌دادن...

بقیه از صفحه ۱۰

بزند تا با زنده و مرده انقلابیون پیش از انقلاب آشنا شود و سخنان خود را قبل از بر زبان آوردن کمی سبک سنگین کند.

اما با مشون سخنان آقای خوشبینی‌ها در دانشگاه می‌توان موافق بود که "دشمن می‌خواهد با ایجاد جو فعلی، مذهبی‌هایی روی کار بیاورد که مسائل سیاسی را نهمند و رد پای آمریکا را نتوانند پیدا کنند و تشخیص اینکه خودشان دارند پایگاه آمریکا می‌شوند را نتوانند بفهمند".

ولی گویا آقای خوشبینی‌ها خود متوجه نیست که دشمن این کار را مدتهاست انجام داده و "مذهبی‌هایی را روی کار" آورده است که اکثریتشان از روی آگاهی و اقلیتشان بر اثر کم‌آگاهی پایگاه آمریکا شده‌اند مگر خود ایشان را مأمور نکردند در مراسم حج شعار "مرگ بر شوروی" را در دهان حاجیان بگذارند؟ از این بدتر هم می‌شود پایگاه آمریکا شد؟

می‌خورد. ولی مردم و خود دانشجویان از نقش بسیار منفی خود آقای حجازی در روند مسخ و شکست انقلاب باخبرند و می‌دانند آقای حجازی وقتی می‌گوید: "ما در جامعه دانشجویی، تکامل انسانی، معنویت، هویت انسانی، دوستی، شرافت، کرامت بشری، بلوغ و صدق می‌خواهیم" در واقع آنچه را که خود ندارد از دیگران تمنا می‌کند.

آقای حجازی، بدون کوچکترین احساس شرمی به دانشجویان توصیه می‌کند:

"در حکومت شرکت کنید، زیرا حالا مانند زمان طاغوت نیست که زیر فشار باشید".

به آقای حجازی توصیه می‌کنیم گاه گاه سری به شکنجه‌گاه اوین و "لعنت آباد"

زنان هستند. آقای فخرالدین حجازی در جمع دانشجویان دانشگاه پلی‌تکنیک اعتراف کرد:

"این درد است که دانشگاه حرکت و جنبش ندارد. چرا دانشگاهی که در ایجاد و پیروزی انقلاب نقش موثری داشته، در تداوم آن ساکت مانده است. این هشدار است که چرا دانشگاه حالت انفعال پیدا کرده است". البته تصور نمی‌رود که آقای

حجازی اینقدر بی‌اطلاع باشد که کلت سکوت دانشگاه را نداند. گویی نخستین بار است که در باره سرکوب جنایتکارانه دانشجویان، کشته شده‌ها و شکنجه شده‌ها در زندان اوین و بالاخره عدم نام نویسی از دانشجویانی که در پیروزی انقلاب سهم فعالی داشته‌اند چیزهایی به گوش

برای "تایید صلاحیت" آیا از این آشکارتر می‌توان ثابت کرد که در جمهوری اسلامی انتخابات به معنای واقعی وجود ندارد؟ ضمنا باید افزود به فرض که وزارت کشور و شورای نگهبان در نخستین ساعات روز پنجم فروردین هم صلاحیت کاندیداها را اعلام می‌کردند باز فقط بیست و یک روز وقت برای تبلیغ در اختیارشان می‌ماند نه بیست و سه روز. این همه دروغ و تزیین برای چه؟

تصور نشود که همه این محدودیت‌ها برای احزاب و گروه‌های مترقی و ملی است، نه این گروه‌ها و احزاب اصلاحی کاندیدا داشتن را ندارند و از حقوق اجتماعی محروم‌اند. محدودیت برای مسلمانان متحد به ولایت فقیهی است که از عهده پاسخگویی به شرایط دلخواه سرمایه‌داران و بزرگ مالکان پرنیامده و احتمالا طرفدار کارگران و دهقانان و احترام به

در هفته‌ای که گذشت:

گسترش جنبش صلح طلبانه و تشدید ناراضی‌های مردم از ادامه جنگ

سیاست توسعه طلبانه حاکمیت جمهوری اسلامی در ادامه جنگ بی‌ثمر و خانمانسوز ایران و عراق، منجر به افزایش بی‌سابقه تلفات و خسارات انسانی و اقتصادی شده است. این موضوع روز به روز با ژتاپ اجتماعی گسترده‌تری در میان زحمتکشان میهن ما که قربانیان بلاواسطه این فاجعه ملی هستند، می‌یابد.

به دنبال افزایش بی‌سابقه سیل گریز جوانان زحمتکش بسیجی از جبهه‌ها به بهانه عید نوروز که بالاترین مقام حاکمیت جمهوری اسلامی را بآردیگر به میدان آورد تا با استفاده از اعتبار مذهبی خود، جوانان گریزان از میدان جنگ را به پایداری دعوت کند، خیرهای رسیده از کشورمان حاکی است که ناراضی‌های مخالف و زحمتکشان ایران با سیاست ادامه جنگ هرچه بیشتر گسترش می‌گیرند.

طبق گزارشات رسیده از ایران، ناراضی‌های گسترده‌ای که در میان آوارگان جنگ بی‌ثمر و خانمانسوز ایران و عراق دیده می‌شود، به اعتراضات و ناآرامی‌هایی در میان آنان منجر شده است. آوارگان جنگی بیش از ۲ سال ونیم است که در شرایط دشوار در به دری و ناامنی پسر می‌برند و با مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی چون مشکل مسکن و برآوردن نیازهای اولیه زندگی، بیکاری، فقدان بهداشت و درمان و نامناسب بودن آموزش فرزندان خود و... دست به گریبانند.

این موضوع سران حکومتی جمهوری اسلامی را واداشته است در دیدارهای اخیر خود با آوارگان جنگی، آنان را به صبر و شکیبایی دعوت کنند و با موعظه‌های همیشگی رنج و محرومیت‌های خود ساخته‌شان را به عوامل ماوراءالطبیعه نسبت دهند و بگویند:

"خداوند آنها را در پوته امتحان قرار داده و هرکس صبرش بیشتر باشد اجرش بیشتر است" و آنها باید "کمبودها را تحمل کنند".

هم چنین طبق اخبار مطبوعات و گزارشات رسیده از ایران، در شهر رشت، پدران و مادرانی که کارگزاران حکومتی فرزندان آنان را با ۴ اتوبوس، به جبهه‌های جنگ گسیل داشتند، به اعتراض دست زدند و کوشیدند از ارسال فرزندان خود به جبهه‌ها و استفاده آنان به عنوان گوشت دم توپ، ممانعت به عمل آورند.

اخباری از این دست نشان می‌دهد که جنبش صلح طلبانه مردم ایران در حال اوج گیری است و روزی که مردم ایران به رغم ترفندهای حاکمیت جنگ طلب جمهوری اسلامی حرف نهایی خود را در زمینه پایان جنگ بین ایران و عراق و استقرار صلح عادلانه بین دو کشور برزبان آورده، دور نیست.

ادامه کشتار غیر نظامیان و تدارک دور جدید جنگ

روز ۷ فروردین ماه جاری، برابر بمباران جناپتکارانه ۲ روستا در منطقه اندیشک و بخش پل دختر خرم آباد توسط رژیم عراق، بیش از ۴۷ تن از هموطنان بی‌گناه و غیرنظامی ما کشته و بیش از ۸۴ تن مجروح شدند. همچنین طی این عملیات تعداد زیادی خانه ویران شد.

این بمباران‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که حاکمیت جمهوری اسلامی برای تحقق بخشیدن به نیت شروینیستی خود، تدارکات نظامی و سیاسی تازه‌ای برای دور جدید جنگ آغاز کرده است.

قرارگاه مرکزی قدس سپاه پاسداران جمهوری اسلامی طی اطلاعیه‌ای که روز ۵ فروردین ماه منتشر کرد، از کلیه نیروهای طرح "لیپیک یا خمینی" و همچنین افراد دیگری که در این طرح شرکت نکرده‌اند، خواسته است که تا ۱۲ فروردین ماه جاری، جهت ثبت نام و اعزام به جبهه‌های جنگ خانمانسوز به مراکز بسیج سپاه پاسداران مراجعه کنند.

از سوی دیگر در هفته‌ای که گذشت دونالد رامسفلد، فرستاده ویژه امپریالیسم آمریکا و هماهنگ کننده ارتجاع در منطقه خاورمیانه، از کشورهای عربی منطقه خلیج فارس دیدن کرد. او طی مسافرت خود به عراق با مقامات عراقی ملاقات‌هایی به عمل آورد. در همین ایام وزیر امور خارجه رژیم وابسته مصر به بغداد رفت و هم‌زمان با آن وزارت امور خارجه مصر تایید کرد که ارتشیان مصری رهسپار عراق شده‌اند تا در جنگ ایران و عراق شرکت کنند.

همه این اخبار حکایت از تدارکات ارتجاعی و امپریالیستی گسترده‌ای دارد که برای آغاز دور جدید دیگری از جنگ ایران و عراق صورت می‌گیرد. جنگی که به جز کشته‌و زخمی شدن دهها هزار تن از زحمتکشان دو کشور، ویرانی اقتصادی دو کشور، تسلط دم افزون ارتجاع بر دو کشور و تحکیم هرچه بیشتر حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس، ارمغان دیگری ندارد.

حاکمیت ج.ا. خواست پایان جنگ را نادیده می‌گیرد

به موازات گسترش اعتراضات مردم ایران علیه ادامه توسعه طلبانه جنگ ایران و عراق نیروهای ترقی‌خواه و دمکراتیک جهان نیز پایان این جنگ خانمانسوز اصرار می‌ورزند. خانم ایندیرا گاندی، رییس جنبش عدم تعهد بنا به تقاضای تعدادی از کشورهای عضو او جنبش را از جمله الجزایر، قرار است به زود اقداماتی به منظور برقراری آتش بس بین ایران و عراق و پایان دادن به جنگ میان دو کشور عمل آورد. اما رهبران جمهوری اسلامی به را خواسته مردم ایران و جهان، همچنان از ضرورت مبرم را نادیده می‌گیرند.

آقای ولایتی، وزیر امور خارجه جمهور اسلامی در باره مسئله میانجیگری دولت مردمی ضد امپریالیست الجزایر می‌گوید:

"مردم میانجیگری که انجام بشود به نا حکومت صدام است و ما قاطعانه اعلام می‌کنیم که هیچ نوع میانجیگری از جانب ما پذیرفته نیست و قضیه ما و عراق از میانجیگری گذشته است" (اطلاعات ۲۲ اسفند).

و اضافه می‌کند:
"تکلیف این جنگ را مبارزین و مجاهدین تعیین خواهند کرد".

سران جمهوری اسلامی با این موضع‌گیری غیرمسئولانه و جنون‌آمیز در رد تقاضای نیروها، ترقی‌خواه جهان برای پایان دادن به جنگ، واقع نشان می‌دهند که حتی به قیمت انزوا، هرچه بیشتر جمهوری اسلامی در میان نیروها، ترقی‌خواه و صلح‌دوست جهان نیز، خواهار ادامه کشتار مردم بی‌گناه و ویرانی هرچه بیشتر میهن ما هستند.

مردم انقلابی ایران و نیروهای ترقی‌خواه جهان به گسترش اعتراضات خود، قطعی‌ترین نقش را در جلوگیری از اعمال این سیاست شروینیستی غلظت طلبانه ارتجاعی ایفا خواهند کرد.

وحشت حاکمیت ج.ا. از "حساسیت کارگران"

هفته گذشته، تهیه‌کنندگان برنامه "کار کارگر" رادیوی جمهوری اسلامی در یکی از معدود برنامه‌های خود، چند دقیقه‌ای هم به مسئله قانون کار اختصاص دادند. در این برنامه وزیر کار در مورد قانون کار توضیحاتی داد.

در این گفتگو آقای سرحدی زاده به جای تشریح قانون کار، به شیوه همیشگی خود، تبلیغ

بقیه در صفحه ۱۲

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

سازش طبقاتی جهت خواب کردن کارگران را موضوع اصلی قرارداد و گفت:

"پیش از آن که ما به وزارت کار بیاپییم، می‌بایستی بی‌موردی در مورد قانون کار به راه افتاد که می‌شد از آن جلوگیری کرد. این مملکت مجلس دارد و شورای نگهبان دارد. آنها نمی‌گذارند که اتفاقی بیافتد. ولی بسیاری از انرژی ما در این رابطه به هدر رفت. مقالات مختلفی در رد و تایید پیش نویس سابق نوشته شد. اصلا نیازی به حساسیت به خرج دادن نیست. ... امروز صف بندی نداریم. امروز همه یکدست هستیم. بنابراین من از کارگران می‌خواهم که حساسیت به خرج ندهند. منتظر نباشند قانونی تدوین شود که حتما به نفع کارگران باشد. ما می‌خواهیم که این فاصله را محو کنیم. این صف بندی‌ها را گروه‌های الحادی (بخوان پیروان سوسیالیسم علمی) ایجاد کرده‌اند. من می‌خواهم که حساسیت به خرج ندهند" (رادویوایران - ۶ فروردین ۶۲).

آقای وزیر کار در این سخنان به انجام وظیفه همیشه خود، یعنی اجرای رهنمودهای رییس جمهور و سایر سران حکومتی جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه "مسئولین باید با تبلیغات صحیح آنان (کارگران) را از گرایش‌های انحرافی ... مسون دارند" پرداخته است. او از کارگران می‌خواهد تا در مورد تدوین قانون کار ضدکارگری توسط او و شرکایش از خود حساسیت نشان ندهند و مسئولین وزارت کار را به حال خود واگذارند تا بی‌دغدغه خاطر، جهت دفاع از منافع سرمایه‌داران، وظیفه خود را انجام دهند. در واقع سخنان آقای سرحدی زاده با کلمات و عملکردهای پیشین او و شرکایش در وزارت کار تفاوتی ندارد. تنها اختلاف موجود افزایش درجه صراحت و وزیر کار در بیان مواضع ضدکارگری رژیم است.

سخنان وزیر کار نشان می‌دهد که حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی از حساسیت کارگران نسبت به حقوق صنفی خود و دفاع آنان از منافع طبقاتی خویش وحشت دارد و به خوبی به نقش تعیین کننده نیروهای پرچمدار منافع کارگران ایران آگاه است. غلظت یورش سبعمانه به حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران را نیز باید در همین رابطه جستجو کرد.

"گستی" دیگر در صحنه

هر روز که می‌گذرد، حاکمیت جمهوری اسلامی برای تبدیل هر چه بیشتر کلیه عرصه‌های حیات اجتماعی و فرهنگی کشور به جولانگاه عقاید قشری و قرون وسطایی خود، تصمیمات جدیدتری اتخاذ می‌کند.

آقای موسوی پجنوردی عضو شورای عالی قضایی در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو

تلویزیونی، بزرگی دیگر بر این پرونده سیاه افزود و با اشاره "به گزارشات رسیده" گفت: "در بعضی از معایر، عفت عمومی به نحو مطلوب رعایت نمی‌شود. و من به این افراد اعلام می‌کنم متظاهرین به عدم رعایت عفت عمومی را طبق قانون تعزیرات محاکمه خواهیم کرد" (رادویوایران - ۷ فروردین ۶۲).

در جمهوری اسلامی کوچکترین انحراف از عقب مانده ترین و ارتجاعی ترین موازین و تسمیاتی که از طرف حاکمیت جمهوری اسلامی در زمینه خصوصی ترین زوایای زندگی افراد وضع می‌شود، "عدم رعایت عفت عمومی" نام می‌گیرد و "مرتکبین" آن مستحق خشن‌ترین مجازات‌ها، تحت لوای "تعزیرات شرعی" تلقی می‌شوند.

آقای موسوی پجنوردی در مورد چگونگی کیفر این "مجرمین" اضافه کرد:

"بر اساس ماده ۳۳ از قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطین دادگستری می‌توانند در مواردی که جرم مشهود بدون حکم دادستانی مجرمین را دستگیر کنند و چون تظاهر به منکرات از جرایم مشهود است، لذا به این گونه افراد اخطار می‌شود که طبق قانون، قاضی می‌تواند در چنین مواردی مجرم را تعزیر کند" (همانجا).

بدین طریق آقای عضو شورای عالی قضایی، دست ضابطین قضایی دادگستری و به ویژه عناصر وابسته به دادگاه‌های انقلاب را باز می‌گذارد که در خیابان، هر کسی را که اراده کرده، به دلیل "تظاهر به منکرات" و "عدم رعایت عفت عمومی" بازداشت کنند و به تخت شلاق ببندند.

او در زمینه چگونگی مبارزه با این به اصطلاح جرایم افزود:

"در همین زمینه بنا به پیشنهادی که اخیرا در شورای عالی قضایی به تصویب رسیده است، به زودی در سطح شهر گشت‌های جداگانه‌ای برای خواهران و برادران به گشت زنی خواهند پرداخت."

اتخاذ تسمیاتی ارتجاعی از این دست، منبعث از طرز تفکر عقب افتاده و قرون وسطایی مسئولینی است که تحت لوای "اسلام" و با ظاهری آرایش شده در لباس "شرع" با مردان و زنان میهن ما به خشن‌ترین وجهی رفتار می‌کنند. افزوده شدن یک گشت دیگر در کنار سایر گشت‌های جمهوری اسلامی چون "نارالله"، "جندالله"، "القارعه"، "پازهر"



و ... نشان می‌دهد که حاکمیت جمهوری اسلامی در به اجرا درآوردن عقاید و نظرات عقب مانده ضد مردمی خود، روز به روز بیشتر با اعتراضات و مقاومت‌های مردم روبرو می‌شود.

در واقع آنچه که اینک به نام "رعایت عفت عمومی" مطرح می‌شود، کوچک‌ترین ارتباطی با باور و وجدان مذهبی زحمتکشان ما ندارد. حاکمیت خائن و انقلاب برپاده جمهوری اسلامی با عمده کردن مسائلی از این دست و جنجال در اطراف آن، قصد دارد خیانت به اهداف انقلاب و اعمال سیاست‌های ضدانقلابی خود را بپوشاند.

هستی مردم طعمه قهر طبیعت

از طغیان دریاچه هامون که خانه و کاشانه هزاران خانوار ساکن در جوار آن را طعمه خود ساخت و کشته شدن صدها تن از هموطنان محروم و رنج‌دیده ما راسبب شد و همه دارایی و هستی آنها را نابود کرد بیش از یک ماه نمی‌گذرد، در هفته گذشته این قاجحه یک بار دیگر و در آستانه سال نو به وقوع پیوست. اخبار رسیده حاکی از آنست که در استان چنگ‌زده و پلاکشیده خوزستان و استان محروم کهگیلویه و بویراحمد، سیل تعداد زیادی روستا و چند شهر را در کام خود فروبرد.

طبق گفته رادیو جمهوری اسلامی فقط در اطراف ماهشهر ۴۱ روستا در محاصره سیل قرار گرفته‌اند و تنها در شهر بهبهان ۷ نفر از هموطنان ما جان خود را از دست داده‌اند. هم چنین در استان کهگیلویه و بویراحمد در مناطق نازمکان، ماهور و گچساران سیل جاری شد و بر اثر طغیان رودخانه‌های مسیر جاده قلعه ریسی به دهدشت، این راه مسدود شد و صدها دام در روستاهای این منطقه تلف شد.

جان و دارایی محقر مردم ستم دیده این مناطق بارها در رژیم ستم شاهی پایمال قهر طبیعت شده بود. رژیم وابسته شاهنشاهی به علت ماهیت ضدملی و ضد خلقی خود کوچکترین گامی در جهت مصون ساختن جان و مال آنان از تهدید بلاهای طبیعی برداشت. امروز نیز که بیش از پنج سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد و در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی در تمام زمینه‌ها پای‌های رژیم شاه گذاشته است، مردم رنج‌دیده و محروم این بخش از کشورمان، هیچ‌گونه امید و دورنمایی برای رهایی از اثرات مخرب قهر طبیعت ندارند و چون گذشته هستی و زندگی محقرشان دستخوش بلاهای طبیعی است.

در شرایطی که بر اثر اصرار و یافشاری سران جمهوری اسلامی در ادامه توسعه طلبانه جنگ خاشناسوز و بی‌شمار ایران و عراق و بمبارانهای جنایتکارانه رژیم عراق، تمام هستی مردم این منطقه هر روز در معرض تهدید است، قهر طبیعت بر بار گران سیاست‌های خائنه و ضدانقلابی سردمداران جمهوری اسلامی بیش از پیش می‌افزاید.

مسخ شوراهای روستایی، گامی دیگر در روند بازگشت انقلاب

آقای موسوی نخست وزیر رژیم جمهوری اسلامی در آخرین جلسه شورای عالی کشاورزی، در رابطه با شوراهای روستایی گفته است: "شوراهای اسلامی روستاها از ضروریات مبارزه با "خان" و "خان زدگی" در روستاهاست". وی در همین جلسه بر "گسترش شوراهای روستایی و سرکشی به آنها" تأکید می کند (اطلاعات ۸ اسفند ۶۲)

شکی نیست که تحت یک حاکمیت دموکراتیک و انقلابی، شوراهای روستایی، به عنوان تشکلهای پایه ای دهقانان و به مثابه مظهر اراده و عمل روستاییان زحمتکش، در مبارزه با بزرگ مالکی و براندازی نظام کلان زمین داری، نقش مهم و بزرگی دارند. ولی بررسی پیگونی تشکیل و عملکرد شوراهای روستایی و برخورد حاکمیت جمهوری اسلامی به این شوراهای عیار واقعی سخنان آقای موسوی را مشخص می کند.

این بررسی نشان می دهد که امروزه آقای موسوی و هیالنگی هایشان در جمهوری اسلامی دروغ می گویند و به این سخنان اعتقادی ندارند. آنها با این سخنان قصد عوام فریبی دارند و می خواهند سیاست خائنان پشت کردن به اهداف انقلاب را پنهان کنند.

شورابه منابه مهم ترین تشکل دهقانان

در دوران تدارک انقلاب و بعد از پیروزی آن، از بطن جامعه روستایی انقلابی ما انواع تشکل های روستایی به ابتکار و مشارکت فعال و خودجوش دهقانان و با کمک و همت نیروهای انقلابی فرا روییدند. از بین این تشکل ها، شورای ده مهم ترین و عمده ترین نهاد تشکیلاتی روستاهای ایران بود که نقش حلقه اصلی را ایفا می کرد، در دوران تدارک انقلاب،

شوراهای روستایی نقش معینی در جهت مبارزه علیه رژیم ضد ملی محمدرضای خائن ایفا کردند. پس از پیروزی انقلاب، مسئله شوراها به طور جدی، به مثابه شکلی از اشکال

حکومت به وسعت در جامعه مطرح شد. نبرد بر سر تکامل یا عقب نشینی انقلاب و چگونگی پیشرفت آن از جمله در مسئله شوراهای بازتاب یافت. مسئله تشکیل یا عدم تشکیل وحدود وظایف و اختیارات شوراهای، به یکی از عرصه های مهم و بفرنج مبارزه تبدیل شد.

در ابتدا، از آنجا که خواست تشکیل شوراهای از پشتوانه و حمایت فعال توده ای و پشتیبانی نیروهای انقلابی و به ویژه حزب توده ایران برخوردار بود، با تشکیل شوراهای روستایی در عده قابل ملاحظه ای از روستاها، این مرحله مبارزه به سود روستاییان زحمتکش خاتمه یافت.

دهقانان زحمتکش و کلیه نیروهای انقلابی، تلاش می کردند که شورا به مثابه یک نهاد خلقی - دولتی، به وسیله اساسی مشارکت روستاییان زحمتکش در تعیین سرنوشت خود، روستای خود و کشور خود، به ارکان محلی قدرت دولتی - دولت منبعث از انقلاب مردمی، ضد امپریالیستی و ضد استبدادی مردم ایران - بدل گردند. آنها تلاش داشتند که شوراهای ده، نهادی واقعاً منتخب مردم، واقعاً دارنده اختیارات و امکانات دولتی، یعنی شوراهای واقعی اداره کننده و تصمیم گیرنده و اجرا کننده و بسط کننده باشند.

موانع و مشکلات شوراهای روستایی

به رغم تلاش های دهقانان و نیروهای انقلابی، شوراهای روستایی با موانع و مشکلات فراوانی روبه رو شدند. این موانع و مشکلات که ریشه های عینی و ذهنی معینی داشتند، بروز پدیده های منفی گوناگونی را در شوراهای روستایی سبب می شدند. مهم ترین موانعی که بر سر راه شوراهای روستایی وجود داشتند عبارت بودند از:

۱- نفوذ عوامل بزرگ مالکان و خانها در شوراها: حل نشدن مسئله ارضی و سازش و مناشات حاکمیت جمهوری اسلامی در اصلاحات ارضی بنیادی و حضور

نظام بزرگ مالکی، امکانات و شرایط فراوانی در اختیار زمین داران بزرگ و کوچک و دهقانان ثروتمند و ایادی آنها جهت به اجرا در آوردن مقاصد ضد انقلابی و حفظ منافع غارتگرانه خود قرار داده بود.

آنها تلاش داشتند از تشکیل شورا جلوگیری کنند و در روستاهایی که به علت شور و حضور انقلابی دهقانان زحمتکش، امکان جلوگیری از تشکیل شورا وجود نداشت، پدیده مسخ را به خدمت گرفتند. عوامل و دوستان بزرگ مالکان و یا خان های با نفوذ در شوراهای روستایی، تلاش می کردند ابتکار عمل شورا را از دست نمایندگان اقشار محروم و تهی دست روستا خارج کرده و به تدریج با مسخ آن شورا را به خدمت بزرگ مالک یا خان هادر آورند.

این مسئله باعث می شد که از نظر کمی در اکثریت روستاها شورا تشکیل نگردد و از نظر کیفی نیز بسیاری از شوراها، مردمی و نماینده واقعی روستاییان نباشند. عدم واکزاری اختیارات قانونی و امکانات دولتی به شوراهای از سوی حاکمیت جمهوری اسلامی؛ بر اثر مبارزه زحمتکشان و

نیروهای انقلابی، خواست تشکیل شوراها و از جمله شوراهای روستایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی انعکاس یافت. ولی می چنگاه شوراهای روستایی، قانونی نشدند و واجد اختیارات قانونی و امکانات دولتی، اساسنامه و آیین نامه واحد نگردیدند. این وضع سبب می شد شوراهای روستایی - تازه اگر فعال و مردمی نیز بودند - متناسب با عمده ترین خواست ها و نیازهای مردم به کاری معین مشغول می شوند و تنها در پاره ای از موارد (که تعدادشان زیاد هم نبود) شوراها نقش واقعی خود را ایفا کردند.

رژیم جمهوری اسلامی، علی رغم سخنان پرطمطراق آقای موسوی در زمینه لزوم شوراهای روستایی، قانونی در زمینه شوراهای روستایی تهیه نکرد و شورا را به رسمیت شناخت و اختیارات و مقدراتی

به آنها نداد.

تذکرات انحصار طلبانه تنگ نظران حاکمیت جمهوری اسلامی نهادهای وابسته به حاکمیت جمهوری اسلامی با گرایشات انحصار طلبانه و قشری خود، افرادی را که در چارچوب های فوق العاده تنگ و محدود آنها نمی گنجیدند، از شرکت و انتخاب شدن در شوراهای روستایی محروم می کردند. این افراد بخش قابل ملاحظه ای از زحمتکشان و نیروهای انقلابی مسلمان و دگر اندیش را شامل می شدند.

معیار انتخاب افراد، مرز بندی های اصولی و انقلابی نشأت گرفته از اهداف انقلاب ایران نبود بلکه انتخاب افراد بر اساس روابط طبقاتی و نوع معینی از ایدئولوژی مذهبی بود. این امر باعث بروز بیاس و دل سردی نسبت به ادامه کار، انفعال و انحلال و استعفا روستاییان از شورا می شد.

علاوه بر عوامل فوق، کمی تجربه دهقانان و نیروهای انقلابی و ضعف تشکل های سیاسی انقلابی در روستاها نیز بر سر راه تکامل و گسترش شوراهای روستایی مشکلاتی ایجاد می کردند.

شوراهای روستایی به منابه دستاورد جنبش انقلابی دهقانی

اگرچه منظره عمومی شوراهای روستایی که بعد از انقلاب در کشور ما تشکیل شدند، آشکارا با آنچه که یک شورای تمام عیار می بایست داشته باشد، تفاوت های بسیاری داشت، لیکن این واقعیت را نباید فراموش کرد که شوراهای روستایی با همه نقایص، ضعفها و کاستی هایشان، نهادی برآمده از مبارزه خونین و طولانی انقلابی بودند. حاصل ایثار، فداکاری و از خودگذشتگی صدها هزار از بهترین و عزیزترین فرزندان مردم زحمتکش مهین ما بودند و دست آورد جنبش انقلابی دهقانی در ایران محسوب می شدند که در رشد و اعتلای خود می توانستند به بقیه در صفحه ۹

مردم به جمهوری غارتگران رأی نداده اند!

روز دوازدهم فروردین امسال، پنج سال از تاسیس جمهوری اسلامی ایران گذشت. دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ مردم زحمتکش ایران به پای صندوقهای رأی رفتند تا پیروزیهای مسلم خود را که در جریان انقلاب و از میان گلوله و آتش و خون به دست آورده بودند، قانونی کنند.

مردم رنج دیده و ستم کشیده میهن ما که با مبارزات قهرمانانه خود رژیم سفاک محمدرضا شاه را سرنگون کردند، به خاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند. زحمتکشان ایران به این امید به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند که پایه های نظام ستم شاهی یعنی بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری برچیده شود و با تامین حقوق حقه زحمتکشان، گام های اساسی در زمینه عدالت اجتماعی برداشته شود. زحمتکشان ایران بدین امید به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند که آزادی به مفهوم واقعی برای آنان استقرار یابد و جلوی آزادی استثمار و بهره کشی سرمایه داران گرفته شود.

امروز پنجمین سالگرد تاسیس جمهوری اسلامی ایران در شرایطی فرا می رسد که رهبری آن وعده های خود در قبال زحمتکشان رانادیده گرفته و به انقلاب مردمی، ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق های میهن ما پشت کرده است. حاکمیت جمهوری اسلامی بیش از پیش آماج های اصیل انقلاب، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را نیامال می کند.

در زمینه استقلال ملی، جمهوری راه رفته را به سرعت بازمی گردد و هر روز بیشتر در مسیر احیاء و نوسازی و تشدید وابستگی به امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا حرکت می کند. جمهوری اسلامی به کمک نهادهای سرکوبگر کوناگون خود بیش از پیش سرکوب و ترور نیروهای ضد امپریالیستی و انقلابی را بسط می دهد. وضع زندگی زحمتکشان کشور ما در نتیجه بی گیری سیاست احیاء و تثبیت نظام منحط سرمایه داری وابسته، در کلیه عرصه های اجتماعی - اقتصادی روز به روز به وخامت می گراید.

کوتاه سخن! جمهوری اسلامی به جمهوری غارتگران تبدیل شده است.

امروز جمهوری اسلامی فرسنگ ها با رژیم که سران حاکمیت وعده می دادند فاصله گرفته است. مردم زحمتکش ایران فریاد اعتراض خود را علیه سران خیانت پیشه آن بلند کرده اند و طنین این فریاد روز به روز رساتر می شود. زحمتکشان ایران در پی نظام دیگری هستند. نظامی که خواستهای آنان یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را برآورد.

زدو بندهای پنهان حکام ج.ا.ا را با امپریالیسم جهانی افساء کنیم!

امپریالیست ها به جمهوری اسلامی اسلحه می فروشند

اختلافات میان صادرکنندگان اسلحه به ایران، گهگاه حقایق تازه ای در باره فروش سازمان یافته سلاح از سوی دول امپریالیستی به جمهوری اسلامی را از پرده برون می افکند. روزنامه انگلیسی گاردین اخیراً نوشته است: "به قول منابع وزارت دفاع واشنگتن، پرواز هواپیماهای ایران در گرو ارسال لوازم یدکی بریتانیایی است. یکی از وسایلی که بریتانیا به ایران می فروشد نوعی موتور است که کمپانی رولزرویس برای استفاده هواپیماهای فانتوم می سازد، برخی از فانتوم های ایران طوری ساخته شده اند که بتوان موتور آمریکایی آن را با این

موتور تعویض کرد."

این روزنامه ادامه می دهد که یک سخنگوی کمپانی رولزرویس در تکذیب این خبر گفته است:

"شرکت رولزرویس هیچ موتور نظامی به ایران نفروخته است." (۲۱)

تکذیبی که خود در حکم تایید است. یک منبع وابسته به وزارت دفاع آمریکا گفت: موتورهای فانتوم نیاز به تعویض سریع دارند و برای حفظ امکان پرواز نیروی هوایی، تامین منظم این موتورها ضروری است. همین منبع اظهار داشت که این موتورها احتمالاً از طریق زوریخ و وین، به کمک یک خط تدارکاتی که از مدت ها پیش به وسیله اسرائیلی ها تاسیس شده است به مقصد ایران بارگیری می شوند. از سوی دیگر آگاهان نظامی اعلام کرده اند که بریتانیا احتمالاً وسایل یدکی لازم برای ۲۰۰ موشک زمین به هوای "رایپر" که در زمان شاه به ایران فروخته شده است و نیز موشک های ساخت انگلستان "تیگرکت" را به ایران ارسال می دارد.

به گفته این منابع، ایتالیا نیز در فروش و ارسال سلاح به ایران دست دارد و قطعات یدکی هلی کوپتر "شی نوک" را به ایران ارسال می دارد. (گاردین ۲۲ فوریه ۱۹۷۴)

کارزار تبلیغات ضد شوروی

چه هدفی را دنبال می کند؟

و فرانسه است به اتحاد شوروی نسبت دهند ممکن نیست در تهران از برخورد اتحاد شوروی به مسئله استعمال سلاح شیمیایی که همه از آن آگاهند، یا خبر نباشند.

چنین به نظر می رسد که مسئله بر سر بی اطلاعی مقام های ایرانی نیست. بلکه مطلب بر سر آن است که تبلیغات ضد شوروی برای برخی محافل در ایران بسیار ضروری است تا بتوانند با کمک آن، دعوت های محافل جنگجو را به جنگ با عراق تا پیروزی توجیه کنند. در اجرای همین سیاست که نشریه تروند افشا کرده آقای نخست وزیر می گوید:

"اما آن چیزی که در این زمینه (بمب شیمیایی) برای ما شگفت آور است، سکوت کشورهای ضد امپریالیستی و به اصطلاح خلقی بلوک شرق در محکومیت این اعمال بود که حتی یک کلمه هم در محکومیت این قضیه سخن نگفتند و این ظن را به وجود آوردند که در پشت پرده قضیه دیگری است."

آقای موسوی که از واکنش کشورهای امپریالیستی و مطبوعات و رسانه های گروهی وابسته به آنها قند در دلش آب شده است، همانند همپالکی های خود، آگاهانه می کوشد اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را به هدف اصلی تبلیغات کین توزانه خود بدل سازد و با بهره گیری از این جو، مناسبات حاکمیت جمهوری اسلامی را با امپریالیسم جهانی، بیش از پیش گسترش دهد.

روزنامه تروند ارکان اتحادیه های کارگری اتحاد شوروی، در رابطه با تلاش رهبران جمهوری اسلامی در جهت منتهم ساختن اتحاد جماهیر شوروی به فروش بمب های شیمیایی که عراق در جبهه های جنگ مورد استفاده قرار داده است، مقاله ای به چاپ رساند. در این مقاله آمده است:

"چند روز پیش، ابوالقاسم سرحدی زاده، وزیر کار و امور اجتماعی ایران تلاش کرد تا اتحاد شوروی را به دست داشتن در کار برد سلاح شیمیایی در جنگ ایران و عراق متهم کند. گذشته از آن این مقام دولتی ایران تلاش کرد تا اتحاد شوروی را که بی گیرانه در راه منع سلاح شیمیایی و محدود خراب این سلاح مبارزه می کند با ایالات متحده آمریکا در یک ردیف بگذارد." روزنامه تروند هم چنین منبع تبلیغات افترا آمیز ضد شوروی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را فاش می سازد و می نویسد:

"مقاله منتشره در روزنامه گوش چاپ ترکیه، اساس این اراجیف شده است... سرویس های ویژه آمریکا، پنتاگون و سیا تحویل دهندگان این به اصطلاح اسناد و صحیح تر بگویم اطلاعات گمراه کننده هستند. نویسنده مقاله در رابطه با هدف پخش این تبلیغات ضد شوروی در ایران می نویسد:

"چه عاملی مقامات ایرانی را وادار کرده است تا به مانور تبلیغاتی دست بزنند و اتهام صدور سلاح شیمیایی به عراق را که متوجه انگلیس



میزان تولید فراورده‌های کشاورزی در اتحاد شوروی افزایش می‌یابد

کنفرانس اقتصادی سراسری درباره مجتمع‌های کشت و صنعت کار خود را در مسکو آغاز کرد. رهبران حزبی و دولتی، دانشمندان و کارکنان رشته کشاورزی در این کنفرانس شرکت داشتند. شرکت کنندگان در کنفرانس، سطح ثمر بخشی کشاورزی در اتحاد شوروی را مورد بررسی قرار دادند. کنستانتین چرنکو، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، طی نطق خود در مراسم گشایش این کنفرانس اظهار داشت:

"حزب کمونیست تامین ترقی و پیشرفت کشاورزی را نه تنها هدف اقتصادی، بلکه یک هدف اجتماعی-سیاسی دارای اهمیت درجه اول می‌شمارد."

کنستانتین چرنکو اشاره کرد که پس از تصویب برنامه خواربار که حدود یک سال پیش انجام گرفت، میزان تولید فراورده‌های کشاورزی افزایش می‌یابد.

میخائیل گورباچف، عضو هیات سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در

این مورد گزارش داد و گفت:

"سال گذشته میزان کل تولید فراورده‌های کشاورزی نسبت به سال ۱۹۸۲، ۵٪ افزایش یافت و در امر تحولات اجتماعی در روستاها تسریع به عمل آمد."

میخائیل گورباچف اظهار داشت در رشته کشاورزی پیشرفت‌های امیدبخشی حاصل شده است، ولی وضع کلی نمی‌تواند ما را قانع سازد. رشته کشاورزی طی سه سال اجرای برنامه ۵ ساله جاری، کمتر از میزان پیش بینی شده در برنامه، غله، دام و شیر به کشور ما داده است. میخائیل گورباچف بدین مناسبت رهبران برخی از استانها و وزارتخانه‌ها را مورد انتقاد قرار داد و بر امر ضرورت تشدید ثمر بخشی کشاورزی و استفاده هرچه سریع‌تر از دستاوردهای علم و فن تاکید کرد.

روز اعتراض ملی در شیلی

ده‌ها هزار تن از مردم شیلی دیروز در مراسم برگزاری روز اعتراض ملت شیلی به رژیم ضد مردمی شرکت کردند. در شهرهای سانتیاگو، کنسپسیون و دیگر شهرهای کشور میتینگ‌ها و تظاهراتی روی داد. اجتماع کنندگان و تظاهرکنندگان استعفاي پینوشه و اعاده دمکراسی در کشور را خواستار شدند، پلیس برای پراکنده ساختن تظاهرکنندگان از گاز اشک‌آور استفاده کرد. ۵ نفر از تظاهرکنندگان پراثر تیراندازی پلیس کشته شدند و ۴۰ تن دیگر به ایبارت درآمدند.

حافظ اسد

حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه طی مصاحبه‌ای با مجله آمریکایی تایم گفت، سیاست آمریکا در خاور نزدیک همانند سیاست اسرائیل نمی‌تواند پاسخگوی تامین صلح باشد. حافظ اسد گفت برای عادی کردن اوضاع در لبنان، اسرائیل باید ارتش خود را از آن کشور خارج سازد. رئیس جمهور سوریه هرگونه مرتبط ساختن مسئله خروج ارتش متجاوز اسرائیل از لبنان را با حضور واحدهای ارتش سوری جزو نیروهای عربی پاسدار صلح در لبنان را رد کرد.

حلقه دیگر سیاست

بقیه از صفحه ۶

کارگران تا ۱۴ ساعت در روز تحت عنوان اضافه کاری.

پایین آوردن مزد واقعی کارگران با توجه به تورم فزاینده.

تمام موارد فوق در بخش‌های مختلف پیش نویس "جدید" قانون کار به روشنی در جهت منافع سرمایه‌داران گنجانده شده است.

بدون تردید، تصویب چنین قانون کاری حلقه مهم و تکمیل کننده تحکیم مواضع غارتگرانه سرمایه‌داران "خودی" و شرکاء طرف‌های امپریالیستی آنهاست.

بنابراین نبرد این مرحله طبقه کارگر ایران - همانند تمام دوران انقلاب و پس از آن - نبردی هم برای دفاع از منافع زحمتکشان ایران و هم برای دفاع از دستاوردهای انقلاب مسخ شده است.

۵۰ سال مبارزه حزب کمونیست عراق برای تأمین منافع زحمتکشان

۱۲ فروردین امسال، حزب کمونیست عراق پنجاه ساله می‌شود.

حزب کمونیست عراق، نقش کمک‌های نظامی و مالی فرانسه را در این جهت مورد تاکید قرار می‌دهد.

حزب کمونیست عراق، کلیه نیروهای میهن دوست و پیشرو عراق را فرا می‌خواند تا به تلاش‌های خود برای تشکیل جبهه وسیعی از میهن دوستان (جبهه‌ای دربرگیرنده تمامی احزاب و سازمان‌هایی که علیه دیکتاتوری صدام پیکار می‌کنند) شدت بخشند. حزب کمونیست عراق پیشنهاد کرده است یک برنامه اساسی و دمکراتیک تدوین شود. برنامه‌ای که مورد قبول کلیه نیروهای دمکراتیک و پیشرو باشد و تبلور اراده خلق برای سرنگونی رژیم صدام و ایجاد دولت دمکراتیک ائتلاف ملی به شمار آید. تمام اقشار خلق باید در مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم بسیج شوند.

حزب کمونیست عراق، خواهان پایان فوری جنگ میان ایران و عراق برپایه حل عادلانه و دمکراتیک اختلافات و تضمین حقوق حقه هر دو کشور مبنی بر احترام به استقلال طرفین و تأمین صلح است.

حزب برادر ما حزب کمونیست عراق، تحت شدیدترین پیگردها، در شرایطی کاملاً مخفی برای سرنگونی رژیم استبدادی صدام حسین و پایان جنگ ایران و عراق، تشکیل دولت ائتلافی میهن دوستان عراقی، دمکراسی در عراق و خود مختاری کردستان عراق مبارزه می‌کند.

حزب کمونیست عراق معتقد است بحران رژیم حاکم بر عراق در حال تعمیق است. درگیری‌ها و منازعات درون صفوف حاکمیت چنان اوج گرفته که حتی افسران بلندپایه و اعضای کادر دولتی تحت پیگرد قرار می‌گیرند. ورشکستگی مالی، کمبود مواد غذایی و دیگر مایحتاج عمومی، و درگیری در بن بست جنگ خانمانسوز با ایران، وجوه مشخصه اوضاع عراق را تشکیل می‌دهند. این اوضاع سبب شده است بقاومت توده‌های خلق علیه رژیم حاکم در عراق تشدید شود.

رژیم صدام با کوشش برای نزدیکی به کشورهای امپریالیستی و ارتجاع عرب، مداخله نظامی امپریالیسم و گسیل سپاه واکنش سریع آمریکا به منطقه خلیج فارس را ممکن ساخته است.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در دوسلدورف (آلمان فدرال) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

RAHE TUDEH

No. 86

Monday, 2 April 84

Address: Winfried Schwarz Markgrafenstr. 13 6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
	U.S.A.	50	Cts.
	Sweden	3	Skr.

راه توده